که از خدا بترس میخواهم که توانگرترین مردمان باشم فرمودند که منفعت رسان باش گفت میخواهم
که ایمان من قویتر از ایمان مردمان باشد فرمودند که نیکوخواه بندگان خدا باش گفت میخواهم
که از خاصان حق باشم فرمودند که قرآن در شب و روز میخوان گفت میخواهم که زیرکترین
مردمان باشم فرمودند که مرگ را فراموش مکن گفت میخواهم که همیشه در رحمت حق
باشم فرمودند که با خلق خدای بخلق زندگانی میکن گفت میخواهم که قویترین مردمان باشم
فرمودند که توکل بر خدای کن گفت میخواهم که عزیزترین مردمان باشم فرمودند که پرهیزکارترین
مردمان باش گفت میخواهم که عمر من درازتر از عمر دیگران باشد فرمودند که صله رحم نگاهدار
گفت میخواهم که بدوزخ گرفتار نشوم فرمودند که خشم را فرو خور گفت میخواهم که فراخ روزی
باشم فرمودند که همیشه با وضو باش گفت میخواهم هر دعا که کنم مستجاب شود فرمودند که از
لقمهٔ حرام پرهیز کن گفت میخواهم که بدانم که گناه بنده بچه دفع شود فرمودند که توبه و بیچارگی و تضرع
گفت میخواهم که سبکبارترین مردمان باشم فرمودند که از کسی چیزی مخواه گفت میخواهم که پردهٔ
عصمت من دریده نشود فرمودند که پردهٔ دیگران مدر گفت میخواهم که از جملهٔ صدیقان باشم فرمودند
که در کارهای راستی نگاهدار کار خود را بخدای راست دار گفت میخواهم که در نامهٔ اعمال من همه
خیرات باشد فرمودند که پدر و مادر را خشنود دار گفت میخواهم بدانم که بنده بچه عمل بخدای تعالی
نزدیک میشود فرمودند که بجوانمردی و صدقه دادن پنهان گفت میخواهم بدانم که بچه عمل بی حساب
در بهشت توان شد فرمودند که بسخا و کرم والله اعلم در احکام سر تراشیدن نیک و بد
برین وجه است روز شنبه خوب نیست روز یکشنبه نیز بد است روز دوشنبه هر که سر تراشد

مبارک بود چنانکه البته از غیب اقبال تمام یابد و بغایت نیکو باشد روز سه شنبه

هر که سر تراشد کرانی و بلائی در بدن او پیدا شود و بادهای غیر بکریز جنبد روز چهارشنبه

هر که سر تراشد البته مال و جاه یابد و رزقش زیاده شود و بر دشمن ظفر یابد روز پنجشنبه

هر که سر تراشد در میان خلایق عزیز و مکرم گردد و حرمتش زیاده شود روز جمعه هر که

سر تراشد در چشم خلایق محترم گردد و هر علتیکه در بدن او باشد بیرون رود تعویذ از جهت

سرفه نوشته از گردن بیاویزند که مجرب است مه لاماح لماع هو (سعال)

بعده نام مریض و پدرش را بنویسند بقطع بحق هذه الاسماء العظام فایده نسخه مجرب

از برای هر زخم کهنه یک پیسه بر سفیداب یک دمری بر موم کافوری بسیار سفید دو پیسه بر

اول تیل را جوشانده بعد از آن موم بیندازند و باقی اجزا را نیز بیندازند و جوش آهسته

آهسته بدهند تا آنکه بقوام بیاید و موافق زخم کپره سفید را از آن مرهم بروی کپره مالند و بر بالای

زخم بگذارند ان شاء الله صحت یابد فایده اگر زنی را فرزند نشود و خواهد که حق سبحانه و تعالی

فرزند کرامت کند و اگر فرزند نرینه خواهد بیابد پیه آهوی نر بر قضیب مالد و با زن مجامعت

کند البته بفرمان خدای تعالی آن زن فرزند نرینه حمل گیرد و اگر فرزند دختر خواهد از پیه آهوی ماده

بر قضیب مالد و با زن مجامعت کند فرزند ماده حمل گیرد که مجرب است فایده اگر خواهند

که بدانند از کسی فرزند میشود یا نه بگیرند طغاره و از خاک پر کنند و تخم کدو در آن بکارند از

برای مرد و زن هر یک جدا و در بول کنند اگر کدو بروید و سبز شود از ایشان فرزند

می شود و اگر نروید و سبز نشود از ایشان فرزند نشود فایده و اگر کسی را فرزند نماند

111

وتلف شود این آیه را بنویسد و در گردن طفل بندد هیچ آسیبی بو نرسد بفرمان
خدای عزوجل آیه این است بسم الله الرحمن الرحیم افغیر دین الله تبغون وله اسلم
من فی السموات والارض طوعاً وکرهاً والیه ترجعون و بعد از آن این طلسم را بخون
مرغ یکرنگ یا گوسفند یکرنگ بنویسد و مادر طفل باخود دارد تا از خود و فرزند از شر
دیو و پری و همزاد ایمن باشند طلسم این است ۱۴۹۸ ۲ ۳ ۶ ۳ ۴ ۶ ۲ ۱ ۱۱ ۱
فایده از جهت موی سفید که سیاه شود ۱۱۹ ۳ ۱۰ ۳ ۳۴ ۵
درخت انبهٔ کهنهٔ سالخورده که شاخ ۸۱۷ ۶۷ ۲ ۱۱ ۱۱۲ ۳ ۴ ۵ ۲ ۱
آن خشک شده باشد گرهی که در شاخ باشد که پوچ شده باشد و در نهایت
سبک بود و صمغ داشته باشد همه را با یکدیگر از آن شاخ جدا کرده مثل میده سابند
و روز چهارشنبه موی سفید را بکنند و بجای آن دوا را بمالند البته مو را سیاه
میکنند مجربست فایده دوای از جهت تنگی نفس احوال پسته برنگ پسته بکلوخی به
بیارد هفت بادنجان جنگلی و میانش را خالی کنند و اجزای مذکور را در میانش پر کنند
و در بالای آن پارچه بپیچد و در بالای پارچه گل بگیرد و بعد از آن در میان آتش اندازند
تا بسوزد آن زمان از آتش برآورده گل و پارچه را دور کنند و بادنجان را برآورده صلایه کنند
و هر روز بقدر یک بادنجان بخورد تا هفت روز از ترشی و روغن و سفیدی پرهیز نماید
انشاءالله تعالی مجربست فایده در کتاب درة النظم آورده که هر که این آیات را
بر هفت برگ بادنجان بنویسد و زنیکه حمل نگیرد گوید که فرو برد و جرعهٔ از شیر گاو سرخ مو

بیاشامد وسه روز باین دستور عمل کند آبستن شود بفرمان خدای عزوجل آیات این است

ولقد خلقنا الانسان من سلالة من طین ثم جعلناه نطفة فی قرار مکین ثم خلقنا النطفة

علقة فخلقنا العلقة مضغة فخلقنا المضغة عظاما فکسونا العظام لحما ثم انشاناه خلقا

آخر فتبارک الله احسن الخالقین فایده اگر غلام کسی گریخته باشد باید که این طلسم را

بنویسد و جائیکه غلام خواب میکرد در زیر سنگ نهد غلام سرگردان شود و بجائی نرود

طلسم این است

اسم غلام — الله

هل من یکلؤکم باللیل والنهار وهو السمیع العلیم

فایده بجهت دفع تب این آیه را بخواند و

و در اثنای خواندن انگشت خود بر دور بگرداند

که باذن الله تعالی مندفع گردد آیه این است

کانما یساقون الی الموت وهم ینظرون روایت است از سید المرسلین

صلی الله علیه وآله که اگر کسی را محنتی و شدتی پیش آید دستها برهم نهد و بگوید

قضا بغی تنفرجی پس روی بقبله کند و دستها بردارد و بگوید بسم الله الرحمن الرحیم

لاحول ولا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم ایاک نعبد وایاک نستعین اللهم کف عنی بأس

الذین کفروا فانک اشد بأسا واشد تنکیلا بخدا که دستها باز نکرده باشد

که او را فرج رسد ان شاء الله تعالی فایده اگر خواهی که سر کاری که مدعا داری

بر تو روشن شود بنویس این دعا و اسما را و در رخت خواب خود بگذار ظاهر شود

بر تو خیر و شر آن دعا این است بسم الله الرحمن الرحیم لا شریک له و باسم داود

والنبیین والمرسلین من آدم الی محمد صلی الله علیه وآله و باسم جبرئیل و میکائیل

واسرافیل وعزرائیل والکروبین وحملة العرش وباسمک الاعظم اسماابن ست م ع ح ح
باحاسبه صعصع فایده جهة رویدن موی پوست آمله و پوست انار ترش بهم
بجوشانند و صاف سازند و سوس فولاد یا آهن بدان آب بجوشانند و سرد کنند بر هر جا که
مالند موی بر آرد فایده بجهة سرفه و دمه فلفل یاو سیر پیپل مور یاو سیر قرنفل یاو سیر زرد چوب
یاو سیر همه را جوکوب کرده در آوند نو انداخته چندان آب بریزند که بقدر چهار انگشت آب
در بالا بایستد و تا نه روز در میان آوند کور بوده باشند و بعد از آن در میان همان آوند که هست در
سر اجاق بگذارند و یک پیاله در میان آوند گذارند و در آوند را از خمیر بگیرند و آهسته آهسته آتش بدهند
تا آنکه عرق او کشیده شود و بعد از آن دو سیر چچیره بهه رنبه و برگ بهاورده در سایه خشک نمایند
دیگر سیر برگ درخت کیله که بر درخت خشک شده باشد هر دو را در زمین پاک بسوزانند و خاکستر
آن را در پارچه کرده مثال کوکنار شیره بگیرد و در شیشه علاحده کند و بعده یکدمی فلفل و یکدمی
پیپل مور و یکدمی نمک سیاه همه هموزن باشد کوفته و بیخته با آن هر دو عرقها موافق فندق
جنگلی حب ساز و صبح و شام هر وقت یک حب تناول نماید و از ترشی و چربی و ماش
و گوشت ملاحظه نماید انشاء الله تعالی شفا یابد نوع دیگر پیپل چدام پیپل مور چدام نمک سیاه چدام
فلفل چدام هموزن کرده با آب ادرک خمیر ساخته موافق فندق حب ساز و صبح و شام
حب حب بخورد و از ترشی وغیره پرهیز نماید انشاء الله تعالی صحت یابد حکمت سه زن و سه
مرد هستند و میخواهند که از کشتی عبور نمایند و کشتیی دو کس بیشتر نمیگیرد و این سه زن و
سه مرد بهیچکدام بر یکدیگر اعتبار نمیکنند پس باید که اول دو زن و شوهر بر کشتی نشسته عبور نمایند

و باز شوهر زن خود را در آن طرف گذاشته کشتی پس بیاورد و خود در خشکی بنشیند
و آن دو زن دیگر بکشتی نشسته عبور نمایند و باز یکزن کشتی را پس بیاورد و در خشکی
پیش شوهر خود بنشیند و آن دو مرد که زن ایشان در آن طرف هستند بر کشتی نشسته
عبور نمایند و یکمرد پیش زن خود نشسته مرد دیگر زن خود را بر کشتی نشانیده باز باین طرف
عبور نماید و زن خود را پیش آن زن دیگر نشانیده هر دو مرد بر کشتی نشسته عبور نمایند
و باز آن زن که اول مرتبه عبور نموده کشتی را برداشته دو مرتبه بیاید و این دو زن که این طرف
مانده است بر کشتی نشانیده عبور نماید حکمت دو رفیق هستند و یک خیک ده منی دوشاب
بشراکت دارند و حال از هم جدا می شوند یک خیک هفت منی و یک خیک سه منی
خالی دارند چه قسم کنند که موافق دوشاب قسمت شود میباید که اول خیک سه منی را
پر کرده در خیک هفت منی بریزند و باز همچنین باز خیک سه منی را پر کرده یکمن در خیک هفت منی
بریزند خیک هفت منی پر میشود خیک هفت منی پر می شود و دو من در میان خیک سه منی
باقی میماند بعده خیک هفت منی را در میان خیک ده منی بریزند که جمله هشت من در خیک
ده منی بوده باشد و دو من که در خیک سه منی باقی است در میان خیک هفت منی
بریزند و باز خیک سه منی را پر کرده در میان خیک هفت منی بریزند پنجمن خواهد شد
حکمت یکصد و بیست عدد انار باید که هر دروازه نصف را بدهند دروازه هفتم
یک انار باقی بماند حکمت شخصی یک گرگ و یک بز و یک دسته علف دارد
و از دریا میخواهد عبور نماید که هر سه جا بهم برسند و کشتی بغیر از یک چیز زیاده نمیگیرد

با برادر

۱۱۳

باید اول بز را عبور نماید و آخر علف را عبور نموده بز را بیاورد و گرگ را عبور نماید و
باز برگشته بز را عبور نماید حکمت دو گله کبوتر میپریدند یک گله بگله دیگر گفت که اگر از شما
یک کبوتر پیش ما بیاید ما موافق شما میشویم گله دیگر در جواب گفت بآن گله که اگر از شما یک کبوتر
پیش ما بیاید با او مقابل شما میشویم یک گله هفت کبوتر و یک گله پنج کبوتر بوده است
حکمت شخصی یکتومان دارد و صد جانور میخواهد گنجشک هر یک پنج دینار قاز هر یک پانصد
دینار مرغ هر یک صد دینار باید که هشتاد گنجشک بخرد بچهار صد دینار نوزده قاز بخرد یکی
پانصد دینار و پانصد دینار یک مرغ بخرد بصد دینار جمله جمله چهار صد جانور میشوند
مبلغ یکتومان نوع دیگر نود گنجشک هر یک پنجاه دینار چهار هزار و پانصد دینار مرغ هر یک
پانصد دینار چهار هزار و پانصد دینار یک قاز بهزار دینار جمله صد جانور میشوند مبلغ یک تومان
خواص بدوح جهت محبت و گشایش و هرچه خواهند مجرب است و دیگر خاتمی بسازند از نقره
در هم نقدل و دو نگین در روی باشد یکی از بدوح و یکی از نقدل در روی بدوح مربع بدوح بنگارند و در روی
نقدل ابجد ط چون قمر سه درجه از برج ثور باشد و زایل النور بود و نگین این خاتم میباید که
گردان باشد هرکس که این خاتم بدست کند بر دشمن مظفر باشد و در نزد سلطان
مختار باشد و صاحب جاه و عزت بود و هر که با او دشمنی کند مقهور گردد و هر کاری که
شروع کند بآسانی برآید و هرگاه که در غمی بود روی بدوح بیرون کند غم او زایل شود و چون خواهد
که از چشم دشمن پنهان شود روی نقدل را بر انگشت بگیرد و روانه شود
اگر در میان هزار دشمن بوده باشد از چشم همه پنهان بود و این فقیر خود دیده است که در سفر

کر

آورده بودند و این حروفات بدوح را خواص بسیارست اما بدین قدر مختصر کرده شد

	ا	
ح	ه	ز
	ط	

ح	د	و	ب
ب	د	و	ح
ح	و	ب	د
د	ب	ح	و

نوع دیگر جهة محبت بدوح را نویسد بد باعث دو لاو خون سیاوشان بمداد آمیخته
در روز جمعه بخور کند بعود و لبان و بپیچد در حریر سرخ و نام طالب و مطلوب در
حواشی مربع نویسد مقصود حاصل شود و اگر این مربع را در چهل و یکدانه فهفه و قدری رانکوی
اداغی در میان قاروره نهد و سر بگیرد و در زیر آتشدان پنهان کند چون گرم شود دان آتش
بقرار گردد و بدین طریق نویسد یا بططهیاح بحق بدوح واجب یا طهیاح
بحق حیدروش هیجا اقلب فلان بن فلان و غیره که گذشت تمام نویسد جهت کشتی
نویسد چهار مربع بعدد صفحی اسم طالب و در آبیکه چشمه او زو نقبه باشند بطرف آب حل کنند
و سر و تن بشوید نوز چهار شنبه و یکشنبه چنانکه سه نوبت بشوید کشتی و در کار آنکس پیدا شود
و جهة محبوس همین عمل کند از حبس خلاص شود نوع دیگر جهة محبت کبوتر که بچه را دانه خوراند
و هر دانه که بر زمین افتد برداشته هر که را بخوراند بدل و جان مطیع او گردد نوع دیگر
جهة محبت عمل بادی چون خواهی کسی را از راه دور بیاری و در عشق خود مبتلا سازی بنویس این

عزیمت را بر کاغذ مهره زده به مشک و زعفران در روز جمعه یا پنجشنبه در وقت بر آمدن آن
آفتاب در افزونی ماه و در باد جناح درخت آویز عبدالله هلال گوید اگر آن کس صد
زنجیر آهنی در پای داشته باشد بشکند و بر تو آید عزیمت این است بسم الله الرحمن الرحیم
عزمت علیکم ایها الارواح والجن والشیاطین مرحوس به طوس بحق آصف برخیا
و بحق نقش خاتم سلیمان بن داود علیه السلام و یا میکائیل بحق خاتم محمد رسول الله صلعم
و یا دنهش بحق عصا موسی ع و ذو یعته بحق توریة و بحق انجیل و بحق زبور و بحق فرقان
العظیم و یا دنهش و یا اسرافیل و یا تمیدون بحق لا اله الا الله محمد رسول الله و یا ملائکة
بحق آدم و حوا و موسی انه من سلیمان وانه بسم الله الرحمن الرحیم و بحق کهیعص و
حمعسق و طه و یس والقرآن الحکیم و بحق اهیا اشر اهیا ادونی اصباوت ال شدای
انه ان تهیجوا قلب فلان بنت فلان بمحبت فلان بنت فلان واحضروا الی فلان ابن فلان
العجل العجل الساعة الساعة الوحا الوحا بسرعة بطرفة العین ولمع البرق وله الحب ستاره آب
اگر خواهی که کسی را دوست خود گردانی بنویس این عزیمت را بوقت نماز پیشین و در
بازوی چپ خود بند آن کس دیوانه و مبتلای تو گردد و لیکن برای فعل حرام نباید کرد
آزموده است و در وقت نوشتن با کسی سخن نباید گفت عزیمت اینست بسم الله الرحمن الرحیم
یحبونهم کحب الله والذین آمنوا اشد حبا لله ولو یری الذین ظلموا اذ یرون العذاب
ان القوة لله جمیعا وان الله شدید العذاب وانه لحب الخیر لشدید افلا یعلم اذا بعثر
ما فی القبور وحصل ما فی الصدور ان ربهم بهم یومئذ لخبیر بحق سلیمان بن داود

علیهما السلام باید نوشت ط ولە اگر خواهی که بر خود کسی را عاشق گردانی این طلسم را بر پارهٔ نان

بنویس و سنگ سیاه را بخوران آن کس مبتلا شود این است

هلج	نا د و ۹

معه	لا را فتی

العجل العجل العجل الساعة الساعة الوحا الوحا الوحا هلج

هلج هلج هلج هلج هلج هلج هلج هلج هلج هلج هلج هلج هلج بنام فلان بن فلان علی حب فلان بن فلان

ولە الحب این شکل را بر شانهٔ گوسفند بنویسد و در آتش اندازد اگر آنکس صد فرسنگ

دور بوده باشد عاشق شده بیاید این است

فلان بن فلان	٦٦٦
فلان بن فلان	علی حب

نوع دیگر این تعویذ را بر پوست آهو بنویسد بدکشم از سفیدون و بر بازو بندد و یا بر درخت

آویزد آنکس چنان دلبند و شیفته گردد که یک ساعت جدا شدن نتواند این است

اِن الذین آمنوا منکم انفسکم و انه علی ذلک لشهید و انه لحب الخیر لشدید افلا یعلم اذا بعثر ما فی

القبور بنام چهار کس بنویسد ولە اگر خواهی که کسی را بر خود عاشق گردانی بنویس این شکل را

بر پارهٔ سفال آب ندیده و در سه شب هر شب یکی در آتش انداز در حال آن شخص دیوانه تو

شود این است

طع د و ۲	سو الحرام الحلال ٦	بحق و یراء موبیت ۳

نوع دیگر اگر خواهی که کسی را دوست خود گردانی این عزیمت را در روز جمعه بوقت

برآمدن آفتاب بر کاغذ بنویس و در زیر زمین دفن کن آن شخص از عشق تو دیوانه گردد

این است بسم الله الرحمن الرحیم عزمت علیکم یا معشر الجن و الشیاطین المروس عن بذه

الوعید اللهم اجعل فلان بن فلان علی حبیب فلان بن فلان ط ولە جهت دوستی این عزیمت را

در پیالهٔ گلی آب ندیده بنویس و در میان آتش پنهان کن آن کس را آتش در دل پیدا شود

داذلی نو

وا بر عشق تو دیوانه کردد عزیمت این ست بسم الله الرحمن الرحیم اللهم صل علی خیر الخلق محمد و آله
یحبونهم کحب الله والذین آمنوا اشد حبا لله ولہ درین باب دوستی کوید که این طلسم را
برای عاشقی آزموده‌ام بهتر از این نیافتم بیار دو کل آنکس و این مهر را بران بنویسد و فتیله سازد
و در چراغدان بسوزاند تا عجایب ببیند این ست

۲۱ طرار حمتی ۳ صمع
۳

نوعی دیگر این آیه را
بر هفت پارهٔ سنک بخوان و در آتش انداز آن کس از عشق تو بیقرار کردد این ست
بسم الله الرحمن الرحیم قال من یحیی العظام وهی رمیم وانا منه توقدون ولہ الحب ستاره
آتشی اکر خواهی که کسی را از عشق خود دیوانه کنی باید که بوقت نماز خفتن دو رکعت نماز بکذاری
و در هر رکعتی بعد از حمد یکبار قل اعوذ برب الناس بخواند و بعد از فراغ نماز چند عدد فلفل بر کف
دست نهی و سه بار نام ایشان بخواند و فلفل را در آتش اندازی آنکس شیفتهٔ تو
کردد این ست بسم الله الرحمن الرحیم کهیعص حمعسق یس والقرآن الحکیم المص ن والقلم
وما یسطرون ایاک نعبد و ایاک نستعین باسم فلان بن فلان علی حب فلان بن فلان
متواتر سه شب همچنین عمل کند اکر شب اول غرض حاصل شود بهتر و اکر شب دویم نشود در شب
سیم البته مقصد حاصل کردد ولہ بنویس این عزیمت را بدم تذرو و در آتش انداز تا سه
روز یکان یکان بنویس و بسوزان آنکس چنان دوست شود که یک ساعت بی تو جدا نتواند بود
اکر ترا نه بیند دیوانه کردد مجرب است بسم الله الرحمن الرحیم والقیت علیک محبة منی و
لتصنع علی عینی و انبئوا اختک فتقول هل ادلکم ولہ این عزیمت را [illegible] از سفیدون در
ساعته

نوعی دیگر عدد این مربع طالب و مطلوب یکدیگر اند و چون بساعت زهره بنگارند و اسم ۱

مطلوب در صفحه طالب نویسند و اسم طالب بر صفحهٔ مطلوب نویسند مطلوب طالب شود بامر الله تعالی.

و خواص این مربع بسیار است در سعید و نوشته که طالب به مطلوب بسر سعد و مطلوب بطالب.

و این سر غریب مربع این است فایده کهربا را باریک بسایند و در حلق کسی کنند و در زیر

دندان بدارند درد بنکو شود

نوعی دیگر هرکه خواهد که او را

درد دندان نشود چون عطسه بیاید

سورهٔ فاتحه بخواند و زبان خود را

گرد اگرد دندانها بهر دو جانب

بگرداند بر و همه عمر درد دندان نشود

و له این آیه را بخوانند و

٧٠	٧٦	٩٢	٥٦	٥٣	٦٠	٦٦	٣٠
٩٠	١ط	٦١	٧١	٦٣	٤٣	٥٣	٦٣
٦٠		٧٢	٦٦	٤٣		٥٦	٥٠٠
٧٤	٦٤	٦٢	٩١	١ط	١٤	٤٦	٦١
المجنون و ما هو الا ذکر للعالمین ١٤٥٠	الذکر و یقولون انه ل ١٤١٥	لیزلقونک بابصارهم لما سمعوا ٩٤٣	وان یکاد الذین کفروا ١١٩٠				
والله غفور رحیم ١٢١٦	و یغفر لکم ذنوبکم ٣٠٠٣	فاتبعونی یحببکم الله ٧٦٧	قل ان کنتم تحبون الله ١٢٣٣				

در دهان آنکس که دندان درد میکند بدمند نیکو شود آیه این است ایها الضرس المضروس

انت فی الفم محبوس اسکن باذن الملک القدوس لکل نباء مستقر و لسوف تعلمون ط

فایده علاج بواسیر خونی کنجد سیاه را بخته کرده آنرا بسایند و با شه در مسکه گاو طلا کنند

به شود فایده علاج تب یکروزه این آیه بر کف دست بنویسد و نظر نماید بسم الله الرحمن الرحیم

محمد رسول الله و الذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم تریهم رکعا سجدا نوعی دیگر علاج تب

دو روزه این آیه بنویسد و در گردن بندد یرید الله ان یخفف عنکم انفسکم نوعی دیگر علاج تب

سه روزه بر بوم و گوگل در جامهٔ سیاه بپیچد و بر روغن گاو چرب کند و بعد از آن دود دهد

بگردد دارم.

بگیرد و در چشم کشند تب دفع گردد نوع دیگر علاج تب لرزه پوست ریشه تاب بمالد
و کف او در مخلوع بگیرد و قطره قطره در بینی چکاند تب و لرزه دفع شود نوع دیگر این آیه را
بر نان نویسد و بخورد تب و لرز دفع شود فلما تجلی ربه للجبل جعله دکا و خر موسی صعقا و له جهته
تب نوشته بر خود بندد صحت یابد مجربست بسم الله الرحمن الرحیم یا حافظ انت الذی
یحفظ لی حمته اطفی بهاج الوباء لمن ارادت من آفته و بلیه الحاطمه المصطفی و المرتضی
و ابناهما برحمتک یا حافظ انت یا معید و الفاطمه ادب در کوب کوب در قاف
مفتاح اذا بر ذو الحلایق قاف در دریا بحق لا اله الا الله محمد رسول الله لدعوة یا معید
و له برای دفع تب این دعا را بر برگ سنبل نوشته بر مریض بخور رسانند بکرم الهی شفا یابد
مجرب و آزموده است فقلنا یا نار کونی بردا و سلاما علی ابراهیم و ارادوا به
کیدا فجعلناهم الآخرین نوع دیگر از حضرت فاطمه زهرا علیها السلام منقولست که هر که
را از تب مبتلا بوده باشد این دعا را نوشته در گلو بندد شفا یابد بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله مدبر الامور الحمد لله منزل النور الحمد لله فالق النور علی الطور فی کتاب مسطور علی نبی محبور
بقدر مقدور و الحمد لله الذی هو بالخیر مذکور و بالبر مشهور و علی السراء و الضراء مشکور
و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه انیب و له جهته تب این آیه را نوشته
بر بازو بندد بکرم الهی دفع شود آیه این است قل انما انا بشر مثلکم یوحی الی انما الهکم اله
واحد فمن کان یرجوا لقاء ربه فلیعمل عملا صالحا و لا یشرک بعبادة ربه احدا ا رفع
نوع دیگر جهته دفع تب سه روزه این آیه را نوشته بر بازو بندد شفا یابد آیه این است

لا یرون فیها شمسا ولا زمهریرا جهت وضع حمل این کلمات را نوشته بر پهلوی عورت بندند

بزودی بار نهد و چون بار فرود آید فی الفور بکشایند والا انچه در شکم باشد همه فرود افتد کلمات این است

السکول السکول لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم نوعدیکر اسامی اصحاب کهف را در قدحی نوشته

و باب بشویند و زن را خوردن دهند و یا آنکه نوشته بر سر زن بندند در حال بار نهد آن این است

یملیخا مکسلمینا کشفوطط تبیونس اذرفطیونس کشفططیونس یوانس یونس اسمهم کلبهم قطمیر نوعدیکر

این آیه را نوشته در ران چپ زن بندند زود بار نهد آیه این است بسم الله الرحمن الرحیم والقت ما فیها

وتخلت واذنت لربها وحقت اهیا شراهیا نوعدیکر این عزیمت نوشته یکی بر شکم زن و یکی بر

ران راست زن بندند زود بار نهد

نوعدیکر پوست مار سیاه

زن زیر خود دود کند

وضع حمل شود فایده بسیار در تجربه

اذا السماء انشقت

۱۲	۳	۴	ط
۱۴	۳	۶	۶ج
۷	۱۴	۹۱	۴

والقت ما فیها وتخلت

واذنت لربها وحقت

[illegible]

اقسنتین عیول کهنه و بآب بر سنگ بساید و در بینی چکاند صداع در حال ساکن شود ونوع دیگر پیخ

بیدانجیر را قدری سنده یار نموده بسایند و بر پیشانی طلا کنند نیکو شود نوعدیکر علاج درد نیم سر

کمع افهفه کرد با آب بسایند و در چشم کشند اگر طرف راست باشد بچشم چپ و اگر طرف چپ باشد به

بچشم راست کشند به شود نوعدیکر درد نیم عدد فلفل کرد سوده در بینی ناس گیرد صداع دفع شود

نوعدیکر علاج درد نیم سر که سالها مانده باشد زعفران و پیخ بیدانجیر هر دو برابر بقدر آب با آب

بسایند و ناس گیرند دفع شود نوعدیکر علاج درد سر که از زور تب بوده باشد بیخ بیدانجیر را ازا و اجوان

[illegible]

سوده در سبز بستانی طلا نمایند صحت یابد وله سر گوش مرده و پوسیده شده بر پستان بر بندند
صداع و درد شقیقه دفع گردد مجربست نوعدیگر هر که سورهٔ سجده بنویسد و با خود دارد از تب
و صداع و درد شقیقه ایمن بوده باشد وله سورهٔ الهکم التکاثر بر صداع خوانند ساکن شود وله دعایی
درد سر بنویسند بر سر بندند ساکن شود فمن کان منکم مریضا او به اذی من رأسه ففدیة من صیام
او صدقة او نسک اهیا اشر اهیا نوعدیگر علاج درد شقیقه استخوان سر مرده با شیر بسر بر بندند
و در گوش چکانند در حال درد شقیقه ساکن شود و اگر قدری باقی ماند از همین اندک در بینی
چکانند تمام درد برطرف شود نوعدیگر دفع زکام بیارد جاز بابونه گیرد رم و آب گرم تا سه روز
بخورد زکام دفع گردد نوعدیگر بیارد نمک سنگ و فلفل در از هر یک نیم درم و با آب بساید و قدری
در بینی چکاند زکام دفع شود وله دفع درد سر و نیم سر اگر درد سر بجانب راست باشد این دعا را
نوشته بجانب چپ ببندند و اگر نه بخلاف آن بفرمان خدای تعالی درد دفع گردد دعا
این است بسم الله الرحمن الرحیم افلح املح اصلح نوعدیگر هر گاه از درد سر و نیم سر خواب
و آرام نباشد این تعویذ نوشته بر سر بندند درد ساکن شود دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم
الله نور السمواة والارض مثل نوره فیها مصباح المصباح فی زجاجة الزجاجة کانها
کوکب دری یوقد من شجرة مبارکة زیتونة ولا شرقیة ولا غربیة یکاد زیتها یضیء ولو
لم تمسسه نار نور علی نور یهدی الله لنوره من یشاء و یضرب الله الامثال للناس
والله بکل شیء علیم وصلی الله
علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین

نوعی دیگر جهت درد نیم سر این طلسم را نوشته بر سر بندند دفع شود مجربست طلسم این است

اگر کسی را فرزند نشود گشنیز تر

۱۲	ع	۱ن	ع
۱۲	۹	۱۱	۱٦
		۱۳	۱۵
۱۴	۸۱	٦	۱و

با شیر گاو بجوشانند و قدری
روغن داخل نمایند و بخورد زن
دهند در حال و ساعت
حمل گیرد نوعی دیگر تخم ترنج و بیخ او

تا آب ببیند و با شیر گاو یکرنگ بیامیزد و بخورد و با شوهر هم بستر شود حمل گیرد نوعی دیگر حکما
تجربه کرده اند اگر زن بسیار آب بخورد و خود را تشنه دارد از بامداد تا نماز دیگر بعد از آن
نزدیک حلال خود رود در حال بارگیرد نوعی دیگر سوره ن را بمشک و زعفران بنویسند
و زنیکه طالب حمل باشد با خود دارد حامله شود دیگر این دعا را نوشته زن با خود دارد بار آورد
و اگر نوشته بر درختی بندند که بار نداده باشد بفرمان خدای تعالی بار گیرد مجربست دعا
اینست بسم الله الرحمن الرحیم هو هو هو هو هو هو هو هو الله الله الله الله الله الله الله الله
الله الله حی حی حی حی حی حی حی حی قیوم قیوم قیوم قیوم قیوم قیوم قیوم قیوم
وصلی الله علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین نوعی دیگر اگر زن عقیمه باشد روز شنبه درخت
انار را نوید داده روز یکشنبه شاخی که بسوی شمال رفته باشد بردارد دو بار یک ببیند و
با دو نیم درم زیره و آب شبانه بپزد آن را بزن بخوراند بکرم الله تعالی فرزند نرینه بار آورد
اما بعد خوردن آن بدو ساعت شیر برنج بخورد دیگر هر که حروف این آیه را مقطع بنویسد

١١٩

و در پهلوی راست عورت بندد با مر الله تعالی فرزند حاصل شود و اگر عدد مربع شصتی از وطرح کفه

١٦ طا ٢ همین بکشد و این حروفات در دو ثبت کنند و هم مجلس شب در پهلوی مونث به بندد

آیه کریمه اینست ولو ان قران سیرت طا ١١١ به الجبال او قطعت به الارض ٩٩٤ ١ او کلم

الموتی بل الله ٩ ٦٦ الامر جمیعاً ٣١٩٩ جمله عدد

نوع دیگر جهت مرد و زنیکه ایشانرا فرزند

نشود بنویسند این هر دو مربع را بر دو قطعه

حریر سپید بمشک و زعفران و گلاب در

ساعت هفتم روز جمعه و سه روز هر دو را بخورانند و دو نوشته در گردن هر دو

بندند و وقت صحبت تعویذ را باز دارند و بعد از صحبت غسل کنند و جامه

نو پوشند و تعویذ در گردن اندازند و در خواب روند خدا تعالی فرزند بایشان ارزانی

کند و بجهة کثرت معامله در خرید و فروخت عدد این آیه بگیرند و چون قمر ناظر سعدین باشد

در مربع بنگارند و در هر دو کان که بیاویزند کثرت معامله پیدا شود و این آیه هر که ورد سازد

برکتی در روزگار او پیدا شود و مقبول القول گردد قل ان الفضل بید الله یؤتیه من یشاء و

الله واسع علیم یختص برحمته من یشاء والله ذو الفضل العظیم هر دو مربع این است

٩٧١	٩٧۴	٩٧٧	٩٦٣
٩٧٦	٩٦۴	٩٧٠	٩٧٥
٩٦٥	~~٩٧٦~~	٩٧٢	٩٦٩
٩٧٣	٩٦٨	٩٦٦	٩٧٨

٩٧٩

			١٣٢٠
١٣٣٣			

١٣٣١	١٣٣۴	١٣٣٧	١٣٢٣
١٣٣٦	١٣٢۴	١٣٣٠	١٣٣٥
١٣٢٥		١٣٣٢	١٣٢٩
١٣٣٣	١٣٢٨	١٣٢٦	١٣٣٨

فایده از جهة فرزند نشدن مغز کرکس را بگیرند و در جامه بپیچند و در موم گیرند بعده در نقره
گیرند و زن در گلو یا در بازو ببندد تا وقتیکه بروی بوده باشد بچه نیارد و له این تعویذ بنویسند
و زن در گردن ببندد هرگز حمل نگیرد دعا این است بسم الله الرحمن الرحیم الله الله الله آلیه آلیه
ریزون حقه خورد که بخت بیفتد آن ریزه ونرا در نقره گرفته زن با خود دارد تا که بر وی باشد حمل نگیرد و اگر
با خود دارد در چشم مردمان عزیز باشد و آنکس را درد دندان نشود و له اگر شیر اسب بزن بخورانند
بار نگیرد و له جهة زیاده شدن آب منی صمغ و سنبل با شکر سته روز بخورد آب منی زیاده شود
و له علاج سستی ذکر ده درم تخم ترب با روغن کنجد بجوشانند و بر ذکر مالند سستی دفع گردد و له انگوزه
بر قضیب مالد و با زن مجامعت کند بغایت لذة دهد که زن در هوای او دیوانه گردد و له [illegible]
کبوتر با نمک سنگ سوده با شهد در قضیب مالد و بهر زنیکه مجامعت نماید آن زن محل کنیز شود
و له بیخ گل لعل از هر کلی که باشد وزن کند و هم چند او شیره نیشکر یکجا کند و بساید و بر قضیب مالد
و با زن جماع کند آن زن عاشق او شود و ساعتی بی او قرار نگیرد و له زهره گوسپند و زهره ماکیان
سیاه و ذکر مالد و جماع کند زن محب او شود و له یک درم انگوزه و دو درم انگبین بر ذکر مالد
دراز و قوی گردد و له پیه شیر بر ذکر مالد سخت و قوی گردد و له خراطین را خشک کرده سوده
با روغن کنجد بسرشند و در قضیب مالد سطبر گردد و له اندرجو مقدار دو درم در شیر گاو
تازه بجوشانند و قضیب در روز با آب بمالد و شب بر این ادویه طلا کند دراز و سطبر گردد
شیر اسب در ذکر مالد شهوة بیفزاید و له بیارد بادنجان کلان و بجامه بپیچد و همراه گل لیب
کرده در آتش اندازد و چون داند که گل بالای او سرخ شد از آتش بیرون آورد و گل و

بولک ادو

پوست او را دور کند و مغز او را در پارچه انداخته عرق او برآورد بعده فلفل را در عرق مذکور
انداخته نگهدارد که همه عرق درو خشک شود پس باریک آس کرده در شهد بیامیزد و بر ذکر
طلا کند سطبر گردد و جهة سرعت انزال تخم گزر یا زردهٔ بیضهٔ ماکیان بساید و بخورد و قدری
تخم ترب آس کرده بر ذکر مالد ول اگر کسی بسبب جلق زدن از جماع کردن رفته باشد بیارد
خراطین و کنجد انوله سار هر یک نیم پاو هر دو را در بسم کرده خوب بساید که مانند
سرمه شود بعده در میان شکل برزم کرده مخلوط کند و ابله سازد و خشک کند بعده آن ابلها را
نرم کرده بر قضیب و خصیه بوزن چهار سرخ لیپ کند و بالای آن پان بنگله پیچیده محکم بندد
و صبح باز کرده به آب گرم بشوید تا سه روز همین عمل کند و اگر جوشش از سبب حرارت دوا
بهم رسد نترسد جو نوجی با روغن کنجد سوده طلا کند حرارت دفع شود فائدهٔ دیگر اگر مردی
از کار زن باز مانده باشد بیخ کیر سپید را بشنر زند تا شیر از و برآید آنرا در شیشه جمع کند
و قدری نخود در آن تر سازد و مدت یکماه نگهدارد بعده برآورده خشک سازد اگر هر روز
چهار از آن نخود بخورد هر چند که پیر فرتوت باشد نیم نخود بس مجرب و هر چند زور مرد کامل
گردد فائدهٔ دیگر اگر این نقش را بنویسد و هر روز یکی بخورد و یکی در کمر بندد اگر غنی باشد مرد کامل
گردد و نقش اینست ححح ع م ر ول جهة لذت جماع بیارد بار حنظل را خام و باریک ببرد
و در آفتاب خشک ححح علی ع ثمان سازد و کوفته سفوف نماید و پیش از دخول قدری
از آن با لعاب دهن بر قضیب طلا نماید و شروع در دخول کند و یا آنکه در عین دخول آلت را
از فرج بکشد و بهمان تری آن سفوف بپاشد و جماع کند چنان لذت دهد که هر دو مفتون

بکدیکر شوند نوع دیگر طلا یکدرم انکوزه با دو درم عسل بر آلت طلا کند چند روز دراز و سطبر گردد

دوا جوا کهار و دار فلفل و نمک سنگ علی السویه آتش کرده با قدری آب بمالد و با سکه کاو

میش حل کند پس چند شب بشیر گرم کرده بر قضیب طلا نماید و دیگر برگ تنبول به بید

و از جامه به بندد و علی الصبح با آب گرم بشوید قضیب دراز و سطبر گردد دوا بلادر و

آنرا ببرد و بار کنائی حوزدو پوست انار در آب بجوشاند چنانکه تمام آب خشک شود

در روغن بماند هر روز بر قضیب طلا نماید سطبر و دراز گردد دوا جوز ماو زنجبیل از هر یک نخود درم با

باید و بوقت مجامعه با روغن ممزوج نموده بر قضیب بمالد دراز و سطبر گردد دوا قدری

کبابه چینی و دار چینی و زنجبیل با عسل و قدری زهره کاو ضم نموده هر روز بر ذکر طلا نماید سخت و دراز

گردد دوا هر که خون بز را بر ذکر مالد و جماع کند آن زن گرفتار او شود دوا جهت امساک این آیه و

نقش را بر طاوس یا بر حریر یا بر کاغذ نویسد و بوقت جماع در زیر زبان دارد امساک حاصل گردد

و مانده نشود آیه و نقش اینست فاذا وعد ربی جعله دکا و کان وعد ربی حقا

طاااااااا۹۴اطااروو۷۹اطااا بنام فلان نوع دیگر اگر کسی را قضیب سست

شده باشد باید که تخم کرسن را بریان کند و پوست او را دور کرده مغز او را با شکر کهنه

بیامیزد و با شیر کاو بخورد سستی برود و توانا گردد و اگر پیش از بر آمدن آفتاب یک مثقال

تخم کسن در میان یک سیر شیر کاو بجوشاند و صاف کرده بیاشامد و اگر شخصی سست

عورت در کنار گیرد مانده نشود دوا اگر پیه آهو و پیه گوسفند در شهد یکجا کرده بیامیزد و بر آتش

نرم گرم کند و بوقت مجامعت بر آلت طلا نماید لذت یابد دوا اگر مغز سر دراز گوش را

در روغن کنجد بریان کنند و آن روغن بر آلت مالد دراز و سطبر گردد دله بیارد خراطین را

و در سایه خشک کنند و باریک سایند بعده آلت خود را بآب گرم خوب بشوید و سخت

مالش و بید چنانکه سرخ شود بعد از آن گوشت گوسپند بیارد و ورق نماید و بر آتش نرم کباب کند

و بطریق نمک آنرا گرم سائیده را بر کباب پاشند و بر گرد آلت بپیچد سه چهار روز متواتر همین کند

بلکه یکهفته همچنان دراز و سخت و سطبر گردد که ده زن طاقت ضرب او نتواند آورد دله بیارد کنجد

سیاه و تخم ترب برابر و هر دو را روغن کشند و روغن مذکور بر قضیب طلا کند تمرد و طلا کردن آلت

سخت گردد دله شیر درخت گور یکتوله گوگل یکتوله هر دو را یکجا سائیده بالای ناف طلا نماید

تا خشک گردد امساک آرد مجرب و آزموده ست دله این مربع را با شیره لجالو نوشته در کمر بندد

امساک آورد باید که در ساعت سعد نگارند آن مربع این ست ۵

۵۶	۳۵	۹۴	۷۴
۹۲	۶۶	۳۴	۲۳
۲۹	۱۹	۹۶	۶۳
۹۹	۱۵	۲۵	۲۶

فایده علاج زهر مار و زهر خورده بیارد تخم

پلاس و برگ و بار او و شیر درخت آک

یکجا کنند و ساید و حب سازد و بوقت

حاجت در گزیدگی مار نهد و زهر خورده را و مار

گزیده را ناس گرفتن دهد از همین حب نیکو

شود مجرب ست نوع دیگر برگ گونده زن خورد دهد دفع گردد نوع دیگر گل و برگ و بار و پوست

عشر ساید و حب سازد و زهر خورده و مار گزیده را خوردن دهد و ناس گرفتن دهد و در موضع

گزیدگی مار نهد زهر کار نکند دله تخم هلهل همین حکم دارد دله اگر کسی را موی شیر داده با بر شند

یک کبین به ووده درم کشکی آس کنند و با آب شیر گرم بخورد تا قی کند و اگر قی زود نباید شاخ
بید انجیر در حلق اندازد زود قی آید و موی شیر از جگر جدا شده بیرون آید وله پیه گوسفندی
با آب لب باید و بخورد موی شیر را از محل گرداند وله سرگین گاومیش تازه بجامه بپالاید و
یک کاسه از آن آب سرگین نوشش نماید سمیت کار نکند و به شود وله علاج زهر یک دو آب
موی سر آدمی با سرکه لب باید و طلا کند صحت یابد نوع دیگر آب برگ دهتوره و شیر و قند
و روغن یکجا کرده بخورد به شود وله دندان سگ و پوست سگ بسوزاند و دود دهد به شود
وله بیخ زقوم و شیر آن با روغن و شکر بخورد در حال نیکو شود وله اگر کسی را کژدم گزیده باشد
این آیه را بخواند و بر گزیدگی دمد و آب دهن خود را بدان موضع مالد به شود

بنویسند چیزی تلخ در دهن کنند و بنویسند و خواهند که تعویذ خواب بندی و زبان بندی بنویسند
گل بوی کنند و بنویسند و اگر تعویذ بیماری بنویسند هر قسم که خواهند توانند نوشت
و بر طبع آتشی روی به مشرق کرده خواهند نوشت و بر طبع خاکی روی بجنوب کرده باید
نوشت و بر طبع بادی روی به مغرب کرده بنویسند و بر طبع آبی روی بشمال کرده باید نوشت
و چون برین ترتیب عمل نموده تعویذ بنویسند مدعا حاصل گردد اما چون تعویذ محبت
نویسی باید که کاغذ را بر ران راست بداری و بدست راست بگیری و چون خواهی تعویذ
زبان بندی و خواب بندی نویسی باید که کاغذ را بر ران چپ بداری و بدست چپ
بگیری و باید که تعویذ محبت در ساعت مشتری و تعویذ زبان بندی در ساعت قمر
یا در ساعت شمس نوشته شود و چون تعویذ دشمنی نویسند باید که در ساعت مریخ یا در
زحل نوشته گردد و اگر بدین ترتیب نتوانند نوشت هیچ حاصل نشود و اگر دانسته موافق ترتیب

بنویسند مقصود

بنویسند مقصود حاصل شود دیگر آنکه اگر بر طبع آتشی تعویذ نویسند نزدیک آتش باید نوشت
واگر بر طبع آتشی تعویذ نویسند نزدیک آتش باید نوشت واگر بر طبع خاکی تعویذ نویسند جایی
سنگ باید نوشت واگر بر طبع بادی تعویذ نویسند بر درخت سوار شده باید نوشت
واگر بر طبع آبی تعویذ نویسند در کنار آب دجله باید نوشت تا عمل تاثیر شود باب
در دانستن بروجات که کدام ستاره عمل دارد حمل نر خانه مریخ روز سه شنبه اسد نر
خانه آفتاب روز یکشنبه قوس نر خانه مشتری روز پنجشنبه سرطان ماده خانه قمر
روز دوشنبه عقرب ماده خانه مریخ روز سه شنبه حوت ماده خانه مشتری روز پنجشنبه
ثور ماده خانه زهره روز آدینه سنبله ماده خانه عطارد روز چهارشنبه جدی ماده خانه
زحل روز شنبه میزان نر خانه زهره روز آدینه دلو نر خانه زحل روز شنبه جوزا نر خانه عطارد
روز چهارشنبه باب بدانکه آدمی از چهار عنصر بیرون نیست آتشی و خاکی و بادی
و آبی واگر آتشی است تعویذ آتشی باید نوشت واگر خاکی است تعویذ خاکی واگر بادی است
تعویذ بادی و بجا آبی تعویذ آبی باید نوشت مجرب است اگر کسی خواهد میان دو کس
جدائی افکند روز سه شنبه وقت طلوع آفتاب این شکل را بنویسد و در پشت
شکل نام او و مادر او بنویسد که فلان بن فلان در میان ایشان جدائی افتد
دیگر اگر کسی خواهد که کسی را از عشق خود بیقرار گرداند باید که در روز پنجشنبه بوقت
ساعت مشتری این شکل را بنویسد و نام او و مادر او و نام خود و مادر خود
در پشت شکل بنویسد به مطلوب خود بخواند مطیع و فرمانبردار شود اگر کسی را

سحر کرده باشند اگر خاکی و بادی و آبی و آتشی باشد باید که بداند که ازین چهار عنصر کدام است
همان شکل را بنویسد و بر چهار طرف آن شکل آیة الکرسی بنویسد و دران کوزه بشوید
و بآن آب غسل کند همه سحر و جادو دور شود دیگر اگر کسی خواهد جهة امساک چون قمر
در آفتاب باشد این شکل را در ساعت سعد بر پوست آهو بنویسد و اگر پوست
آهو نباشد بر کاغذ مهره زده بنویسد و در کمر بندد از مجامعة مانده نشود و امساک
حاصل گردد دیگر هر که چون قمر در سرطان باشد از نقره تختهٔ بسازد و این شکل را نقش
نماید و با خود نگاه دارد بر جمله کارها غالب گردد و بر دشمن ظفر یابد دیگر هر که بروز جمعه در ساعت
زهره این شکل را بنویسد و بر سر خود نگاه دارد هر که سخن گوید مطیع و فرمانبردار او شود دیگر هر که
بروز دوشنبه بساعت قمر این نقش را نوشته در کمر بندد و در سفر رود از جمیع بلاها و خوفها
ایمن باشد اما باید که این نقش را بهیچکس ننماید و نیاموزد نقش آن این است ط ط ط ط ط ط

آتشی

۶	۱	۸
۷	۵	۳
۲	۹	۴

خاکی

۲	۹	۴
۷	۵	۳
۶	۱	۸

آبی

۲	۷	۶
۹	۵	۱
۴	۳	۸

بادی

۶	۷	۲
۱	۵	۹
۸	۳	۴

باب در دانستن کواکب آتشی جانب مشرق حمل اسد قوس خاکی جانب جنوب
ثور سنبله جدی بادی جانب شمال جوزا میزان دلو آبی جانب مغرب سرطان عقرب
حوت ط باب در دانستن موکلات هفت روز هر وقت کسی خواسته باشد که
تعویذ برای امر مطالب بنویسد موکل هر روز فرشته ایست باید که اول برای اسلامتی ایشان
فاتحه عبادت بخواند پس آن زمان درست تعویذ نوشتن کند این ست روز شنبه یا جائیل
روز یکشنبه یاره مائیل روز دوشنبه یا خیر المنین روز سه شنبه یا شمائیل روز چهار شنبه
یا وفائیل روز پنجشنبه یا عمائیل روز جمعه یا هوائیل باب در دانستن موکلات بیست و
هشت حروف اینست الف ارتعل ١٦٣١ ب جبرئیل ٦ ٢٣٣ ت عزرائیل ٣١٩
ث میکائیل ١١٢ جیم فلکائیل ١٦١ ح ثمرکائیل ٢٢ خ همانائیل ١١٣ دال اهراطیل ٢٥٦
ذال ملکائیل ١٥٢ را اهرائیل ٢٤٦ زهر قائیل ٣٤٣ س اکلیل ١٩ ش عرائیل ٣١٢
ص عوائیل ١١٦ ض لطلطائیل ١٣٠ طی اسمعیل ٢١١ ظی لورائیل ٢٧٦ عین نوحائیل ١٦ غین
للوطائیل ١٢٦ ف سرطائیل ٣١١ قاف عطائیل ١٢١ کاف محلائیل ٣١ ل طاطائیل ٦١
میم ارقائیل ٣٤٣ ن حجرائیل ٢٥٢ واو اردائیل ٣٤٥ روحائیل ٢٦٦ ی سرکائیل ٣٤٣
نوع دیگر موکلات بیست و هشت حروف اینست الف اسرافیل ٣٩٣ ب جبرئیل ٢٤٦
ت عزرائیل ٣١٩ ث میکائیل ١١١ ج کلکائیل ١١٢ ح تنکفیل ٩٥ خ مهکائیل ١٠٧ دال
وردائیل ٢٥٠ ذال سعراطیل ٣٦٠ را هموائیل ١٠٦ ز سرفائیل ٣٥٩ سین همرائیل ٣٠٦
شین همرافیل ٦٦٣ صاد ابجائیل ٩١ ضاد عطکائیل ١٤١ طی اسمائیل ٢١٢ ظی لوطائیل ٩٦

عین لوماتیل ۱۳۲۷ غین لوخائیل ۹۰۶۷ ف سرماکیل ۳۶۶۶ قاف عطائیل ۱۳۱
کاف حدوزدائیل ۳۰۰۶ لام طاطائیل ۱۴ میم اویائیل ۲۵۹۱ نون حولائیل ۹۶
واو رقتمائیل ۳۶۲ ها ۵ دردائیل ۲۵۰۰ ی روپائیل ۲۵۸ جای دیگر نوشته کاف
خوزائیل قاف عطرائیل ی سرکطائیل باب در دانستن موکلات بروجها
حمل سرطیل ۱۳۱۰ اسد حدکل ۲۶ قوس صحلنار ۹۷۳ جوزا افرائیل ۱۰۳
میزان همراکیل ۳۴۳ دلو صحائیل ۱۴۰ سرطان قفائیل ۳۴۲ عقرب هلصائیل ۲۵۲
حوت قفهار ۱۹۰ ثور عزرائیل ۳۱۹ سنبله سماکیل ۱۶۱ جدی سملیل ۱۷۰ نوع دیگر
موکلات بروجها حمل سرطیل ۳۰۹ اسد صبرکیل ۳۵۲ قوس صحلناد ۱۲۳ جوزا
افرائیل ۱۲۹ میزان ضمراکیل ۱۱۰۱ دلو صحلنار ۳۷۹ سرطان قفائیل ۲۵۲ عقرب
۱۶۳
صدصائیل ۲۳۶ حوت قفهار ۱۹۰ ثور اعزرائیل ۳۱۹ سنبله سماکیل ۱۶۱ جدی سکائیل
باب در دانستن موکلات ستاره‌ها مشتری مهائیل ۹۱ زهره اسموئیل ۲۳۲ زحل
ارقائیل ۳۴۴ شمس کسارا ۲۱ قمر حوئیل ۴۵ مریخ بخراد ۱۰۷ عطارد اسل ۹۱ نوع دیگر
موکلات ستاره‌ها مشتری مهائیل ۹۲ زهره اسموعیل ۲۳۷ زحل ارفائیل ۳۴۴ شمس
کلکتائیل ۲۵۵ قمر تعوئیل ۱۶۵ مریخ بخراد ۱۰۷ عطارد اسیلی ۱۰۲ این بیت
در دانستن ماه بیت و نهد و سی بیت بیت و نه بی تند سه چون غره افتد دیس را
کر یا جس غره افتد مه نماید سی را کلمه دیس که در مصرع اول مذکور شد هر حرف
و هر حرفی از آن روزی اعتبار کرده اند ایام اسبوع چنانچه د دوشنبه ی یکشنبه س سه شنبه

وکلمه با جنس که در مصرع دویم مذکورست ب پنجشنبه الف آدینه ج چهارشنبه
سه شنبه باب ه در دانستن ساعت شب و روز ایام هفته روز یکشنبه
پادشاهی شمس ست بخورات آن عود و صندل سرخ اول طاس شمس دویم
طاس زهره سیم طاس عطارد چهارم طاس قمر پنجم طاس زحل ششم طاس مشتری
هفتم طاس مریخ هشتم طاس شمس نهم طاس زهره دهم طاس عطارد یازدهم
طاس قمر دوازدهم طاس زحل شب دوشنبه پادشاهی مشتریست اول طاس
مشتری دویم طاس مریخ سیوم طاس شمس چهارم طاس زهره پنجم طاس عطارد
ششم طاس قمر هفتم طاس زحل هشتم طاس مشتری نهم طاس مریخ دهم طاس شمس
یازدهم طاس زهره دوازدهم طاس عطارد روز دوشنبه اول ساعت پادشاهی
قمرست بخورات آن عود و کندر اول طاس قمر دویم طاس زحل سیم طاس مشتری
چهارم طاس مریخ پنجم طاس شمس ششم طاس زهره هفتم طاس عطارد هشتم طاس قمر نهم طاس
زحل دهم طاس مشتری یازدهم طاس مریخ دوازدهم طاس شمس شب سه شنبه پادشاهی
زهره ست اول طاس زهره دویم طاس عطارد سیم طاس قمر چهارم طاس زحل پنجم طاس
مشتری ششم طاس مریخ هفتم طاس شمس هشتم طاس زهره نهم طاس عطارد دهم طاس قمر
یازدهم طاس زحل دوازدهم طاس مشتری روز سه شنبه اول ساعت پادشاهی
مریخ ست بخورات آن قلنفر و عود اول طاس مریخ دویم طاس شمس سیم طاس زهره چهارم
طاس عطارد پنجم طاس قمر ششم طاس زحل هفتم طاس مشتری هشتم طاس مریخ نهم طاس شمس دهم

طاس زهره یازدهم طاس عطارد دوازدهم طاس قمر شب چهارشنبه اول ساعت
پادشاهی زحل ست اول طاس زحل دویم طاس مشتری سیم طاس مریخ
چهارم طاس شمس پنجم طاس زهره ششم طاس عطارد هفتم طاس قمر هشتم طاس قمر
زحل نهم طاس مشتری دهم طاس مریخ یازدهم طاس شمس دوازدهم طاس زهره روز
چهارشنبه اول ساعت پادشاهی عطارد ست بخورات آن عود و کافور اول ساعت
اول طاس عطارد دویم طاس قمر سیوم طاس زحل چهارم طاس مشتری پنجم طاس
مریخ ششم طاس شمس هفتم طاس زهره هشتم طاس عطارد نهم طاس قمر دهم طاس
زحل یازدهم طاس مشتری دوازدهم طاس مریخ شب پنجشنبه اول ساعت پادشاهی
شمس ست اول طاس شمس دویم طاس زهره سیم طاس عطارد چهارم طاس قمر پنجم
طاس زحل ششم طاس مشتری هفتم طاس مریخ هشتم طاس شمس نهم طاس زهره دهم طاس
عطارد یازدهم طاس قمر دوازدهم طاس زحل روز پنجشنبه اول ساعت پادشاهی
مشتری ست بخورات آن عود و عنبر اول طاس مشتری دویم طاس مریخ سیم طاس شمس
چهارم طاس زهره پنجم طاس عطارد ششم طاس قمر هفتم طاس زحل هشتم طاس مشتری
نهم طاس مریخ دهم طاس شمس یازدهم طاس زهره دوازدهم طاس عطارد شب جمعه
اول ساعت پادشاهی قمر ست اول طاس قمر دویم طاس زحل سیم طاس مشتری
چهارم طاس مریخ پنجم طاس شمس ششم طاس زهره هفتم طاس عطارد هشتم طاس قمر نهم طاس
زحل دهم طاس مشتری یازدهم طاس مریخ دوازدهم طاس شمس روز جمعه اول ساعت

بادشاهی زهره است بخورات آن عود و صندل اول طاس زهره دویم طاس عطارد سیم طاس
قمر چهارم طاس زحل پنجم طاس مشتری ششم مریخ هفتم طاس شمس هشتم طاس زهره نهم طاس عطارد
دهم طاس قمر یازدهم طاس زحل دوازدهم طاس مشتری شب پنجشنبه شنبه اول ساعت
بادشاهی مریخ است اول طاس مریخ دویم طاس شمس سیم طاس زهره چهارم طاس عطارد
پنجم طاس قمر ششم طاس زحل هفتم طاس مشتری هشتم طاس مریخ نهم طاس شمس دهم
طاس زهره یازدهم طاس عطارد دوازدهم طاس قمر روز شنبه اول ساعت بادشاهی
زحل است بخورات آن عود و ... اول طاس زحل دویم طاس مشتری سیوم طاس مریخ
چهارم طاس شمس پنجم طاس زهره ششم طاس عطارد هفتم طاس قمر هشتم طاس زحل نهم
طاس مشتری دهم طاس مریخ یازدهم طاس شمس دوازدهم طاس زهره شب یکشنبه اول ساعت
بادشاهی عطارد است اول طاس عطارد دویم طاس قمر سیوم طاس مشتری
پنجم طاس مریخ ششم طاس شمس هفتم طاس زهره هشتم طاس عطارد نهم طاس قمر
دهم طاس زحل یازدهم طاس مشتری دوازدهم طاس مریخ در دانستن
ساعات کواکب احکام ساعت زحل صالح بود درین ساعت راست گردن
بنیاد کارها مثل عمارت و زراعت و تخم افکندن و درخت نشاندن و جوی
کندن و دیدار دهقان و اهل زراعت را دیدن و حاجت خواستن از ایشان
و خرید و فروخت و کارهای پوشیده چون طلسمات محبت و غیر آن جمله
نیک باشد اما درین ساعت دیدن امرا و سلاطین و ملوک و اشراف

بد بود و هر فرزندیکه درین ساعت متولد شود از مال و راحت دنیا برخوردار باشند
و عمرش دراز بود و بد افعال و بی اخلاص و بدخو باشد احکام ساعت مشتری
صالح و سعد اکبر است درین ساعت دیدن ملوک و سلاطین و سادات و علما و
زهاد و مشایخ و آغاز کارهای خیر مثل زن خواستن و تزویج و نکاح و طلب حاجات
و سفر و خرید و فروخت و جامهٔ نو پوشیدن و بریدن و حجامت کردن و تعلیم دادن جمله
بغایت نیک باشند و هر فرزندیکه درین ساعت بوجود آید نیکنام و دانا و صاحب
دولت باشند و مشهور و زاهد بود و مطربان اهل فسق درین ساعت برحال باشند
احکام ساعت مریخ درین ساعت شکار کردن و سلاح جنگ پوشیدن و با دشمن
حرب کردن و صلاح عداوت دیدن و سواری کردن و حجامت کردن و جوی کندن
و بر سر دشمن رفتن نیک بود اما از دیدن سلاطین و امرا و بزرگان احتراز باید کرد که
که درین ساعت دیدن ایشان بد بود و مقصود حاصل نشود و بازرگانی و خرید و فروخت
و حرکت و سفر و جامه بریدن و پوشیدن نیک نباشد و هر فرزندیکه درین ساعت
متولد شود خونریز و جلاد و فاسق و دلاور باشد و حریص بود احکام ساعت شمس سعد است
درین ساعت آغاز کارهای بزرگ و دیدن سلاطین و امرا و اشراف و زن خواستن
و جامه بریدن و پوشیدن و خرید و فروخت و عمل دوستی و محبت و الفت نیکو بود اما
بازرگانی کردن و سفر و حرکت و فصد و حجامت و جوی کندن و طلب حوائج بغایت
بد بود و هر فرزندیکه درین ساعت متولد شود دراز عمر و مقبول سلاطین باشد و بدو

احکام ساعت زهره

احکام ساعت زهره نیک بود درین ساعت محبوب گرفتن و زن خواستن و عیش و
طرب کردن و دیدن سلاطین و امرا و بزرگان و بوستان و عمارت کردن و رگ زدن
و حجامت کردن و بر سر بیماران رفتن و معالجه کردن و دوا خوردن و جامه بریدن و
پوشیدن و بازرگانی کردن و سفر رفتن و نقل و حرکت و طلسم محبت نیکو بود اما فرزند
بمکتب فرستادن و آغاز کارهای بزرگ کردن بغایت بد بود و هر فرزندیکه درین
ساعت متولد شود بعیش و طرب و خوشدل بکام دل گذراند احکام ساعت
عطارد صالحست درین ساعت فرزند بمکتب فرستادن و آغاز کارهای تعلیم و
دیدن اصحاب و دیوان و نویسنده و علما و بنیاد کارهای نازک و بزرگ چون علم نجوم
و هندسه و زرگری و زردوزی و صنعت کاری و طلسم محبت و الفت بغایت نیک بود
اما فصد کردن و حجامت نمودن و جنگ و فساد و بازرگانی کردن و حرکت نمودن
و دوا خوردن و جامه بریدن و پوشیدن بغایت بد بود و هر فرزندیکه درین ساعت
بوجود آید عالم و فاضل و صاحب دولت و صاحب سفره گردد احکام ساعت قمر
سعد و صالحست و سپید رنگ قاصد بجائی فرزند نیکو بود و فصد کردن و معالجه بیماران
و دوا خوردن و جامهٔ نو بریدن و پوشیدن و جوی کندن و طلسم محبت و الفت نیکو باشد
اما زن خواستن و عمارت و زراعت و درخت نشاندن و تخم بر زمین افکندن و
دیدن سلاطین و اشراف و ارکان دولت بد بود و هر فرزندیکه درین ساعت
تولد شود بزرگ باشد و بدولت یار بود والله اعلم بالصواب فصل ۳ در سعد

بدانکه چون قمر سه درجه برج ثور باشد و آفتاب نوزده درجه حمل بود این شکل را
نوشته بر صندوق و خزینه نهند هرگز دزد بران واقف نگردد و اگر بر طلوع آفتاب
یا قمر بر سفال آب نادیده نویسند و حامله با خود دارد در حال وضع حمل شود و اگر از
برای محبوس نویسند یا از بهر محبوب باید که طالع برجی بود منقلب و خداوندش
جائی مقبول و قمر در نهم طالع یا در سیوم یا در یازدهم طالع آفتاب یا در دهم
طالع زهره و مشتری سعادت بر طالع نگرد و تعبیل کند در حال خلاص یابد و اگر توقف
افتد بیش از سه روز نماند البته خلاص شود و اگر بهر عداوت میان دو دوست
نویسند باید که نام هر دو بحساب جمل گیرند و جمع کنند و سه در سه بنهند بوقتیکه
طالع وقت برجی منقلب باشد و آفتاب در طالع صاحب طالع در ششم بود
یا در هشتم یا در چهاردهم و خداوند یازدهم لاسم در مقابله طالع بود یعنی هفتم ساعة
زحل یا مریخ این شکل بر کرده در خانهٔ آن شخص دفن کنند یا در راه و گذار ان
و یا در جامهٔ خواب یا در بالین ایشان نهند یا سنگی سیاه نقش کنند
هم درینوقت که نمودیم و در چاه خانهٔ ایشان اندازند البته از همدیگر جدا گردند
چنانچه روی یکدیگر نتوانند دید و اگر مریخ در طالع بود و قمر در مقابله قمر بود و خداوند
ساقط از طالع یا در مقابله طالع باشد این شکل بنویسند بر کرباس که پارهٔ
خون حیض زنان دران باشد در میان قومی هر خانه که جمع باشند دفن کنند
البته جنگ و خصومت و تفرقه در میان ایشان افتد و جمله آواره گردند

بن
نرفلد

بیت: نیز فلکی زنهار بدست نا اهل نه اندازند و از چشم مردم مخفی دارند شکل این است

۹

			۴	۳	۹			؟
				۵	۱			
			۲	۷	۶			

فصل چهار در چهار چون آفتاب بنوزده درجه حمل باشد و قمر سه درجه یا ده
درجه جوزا باشد یا بپانزده درجه سرطان باشد این شکل را بر تخته زر سرخ یا
انگشتری زر یا طاس زر یا بر کاغذ زر بنویسد بوقت چنین که نمودیم و طالع
وقت باید که سعدی در طالع بود و آفتاب در دهم طالع و قمر در یازدهم یا در
پنجم یا در سیوم طالع زحل و مریخ ساقط از طالع و عطارد نیک حال بود و زهره
و مشتری از هر دو یکی در طالع باشند یا به تثلیث یا به تسدیس اینوقت نگاه باید
و دارندهٔ این شکل در نظر جمله بزرگان عزیز و مکرم باشد و در عز و جاه بیفزاید و دارندهٔ
این شکل اگر خون ناحق کرده باشد چون بنظر خصم رسد او را معاف دارند و هر کاری
که شروع کند بی رنج بر آید و دارندهٔ این شکل در وقت طلوع آفتاب هر حاجت
که بخواهد در حال روا گردد و هرگز بهیچ درد و رنج گرفتار نشود و پیوسته در عزت
و حرمت باشد و چون خواهد که نزدیک پادشاه یا محبوب یا مخدوم وغیره الخ
خواهد عزیز گردد نام هر دو کسیکه خواهد بحساب جمل جمع کند و سی و چهار کم دارد

نز

طرح کند باقی انچه بماند چهار قسمت نماید اگر خواهد که هر سه یا هر دو بر خانه سیزدهم نیز آید
نظم از بنجا نگاه دارد و آن اول بگذارد اگر کسری بر سر وی باشد یکی در خانه نهم نیز آید اگر سه عدد بر سر وی
کسری باشند در خانه پنجم یکی زیاده کند اگر چهار عدد باشند بخود قسمت بپذیرد و در نهادن اوفاق
نمود نگاه دارد تا تاثیر کمال وی بغایت بود و در اوفاق نگاه داشتن تقصیر نکند تا زود اجابت
یابد مجرب و آزموده است شکل چهار در چهار این است ۱۲

				٨	١١	١٤	١
				١٣	٢	٧	١٢
				٣		٩	٦
				١٠	٥	٤	١٥

بنج در بنج منسوبست بشرف آفتاب بنوزده درجه حمل یا اسد یا جوزا و طالع آبی
چون زهره به بیست و هفت درجه حوت رسد یا در جوزا و طالع وقت برجی باده و صاحب
طالع در پنجم یا در یازدهم یا در سیوم یا در نهم و سعدی در طالع از سعدین و صاحب طالع و یا صاحب
پنجم ناظر و یا صاحب یازدهم ناظر بود از جائی مقبول بنظر مودت و قمر نیک حال و ناظر
از تسدیس یا به تثلیث و ساعت زهره یا مشتری در چنین وقت بنج در بنج
کشند بر حریر و بر آبریشم سبز بپیچند و اگر اسم مرکب به مشک و زعفران بنویسند و چون قمر
بجه شرف رسد در بپیچند دارنده این شکل پیش جمیع خلایق مشرف و عزیز گردد و پیش

زنان

زنان اهل جنس او را عزتی و حرمتی باشد چنانکه وصف آن نتوان کرد و اگر در چنین وقت

که نمودیم نام خود و نام محبوب خود به حساب جمل جمع کنند و شصت از وی طرح و باقی انچه بماند بر پنج عدد

قسمت کنند و پنج در پنج بنهد دارنده این شکل پیش آن محبوب بغایت عزیز گردد و

هر حاجت که بخواهد روا شود و یک لحظه از وی نشکیبد بتاثیر زهره و شوق این شکل مقرباً

بغایت موافقت افتد و در اسم نهادن پنج در پنج اگر چهار باقی ماند در خانه ششم

یکی زیاده کنند و باقی بوی بنهد و اگر سه ماند در خانه یازدهم یکی بیفزاید و اگر دو ماند در خانه شانزدهم

یکی بیفزاید و اگر یک ماند در خانه بیست و یکم یکی بیفزاید تا راست آید و چون اسم بنهد شکل پنج در

[illegible]

۱		۱۹	۱۳	۷
۴	۸	۲	۱۲	۲۰
۲۲	۱۶	۱۵	۹	۳
۱۰	۴	۲۳	۱۷	۱۱
۱۸	۱۲	۶	۵	۲۴

شش در شش چون زحل به بیست و یکدرجهٔ میزان رسد این شکل را بر خشت خام

کنند که گاه در وی نا بشند برنگ سیاه و طالع وقت باید که زحل در یازدهم یا پنجم یا وسط السماء

یا در نهم باشد و سعدی از سعدین در طالع وقت بود و عطارد ساقط از طالع مریخ هم ساقط

و آفتاب و قمر نظر مقبول از تسدیس و تثلیث بهم نگرند و این شکل بر کشند و هم برین طالع

که گفتم باید که صاحب چهارم جای مقبول و یا سعدی در چهارم طالع بود آنگاه این خشت در

اول بنیاد عمارت بنهد بهم بران طالع که نمودیم و هر عمارت که خواهند بر سر این خشتها بکنند
سالهای بسیار آن عمارت خراب نگردد معمور و پایدار بماند بتاثیر شرف زحل و طالع وقت و
واثر اعداد وقف واگر این خشتها که گفتیم یکی بر سر گنج دفینه بنهند سالهای فراوان آن گنج
بماند واگر جمله بنی آدم طالب آن گنج دفینه باشند پیدا نشود مگر همان که این گنج نهان کرده است
واگر درین وقت که نمودیم این شکل بر کرباس سفید کشند برنگ سیاه و هر که با خود دارد
در قوت بیفزاید و بارها سنگین تواند گرفتن چنانکه مردم تعجب نمایند واگر بر خصم مکر برزد
که هیچکس ویرا پیدا کردن نتواند بهیچ نوعی پنهان نماند شکل شش در شش این است

۱		۲۹	۲۲	۱۵	۸
۱۶	۹	۲	۳۱	۳۰	۲۳
۱۵	۲۴	۱۷	۱۰	۳	۳۲
۴	۳۳	۲۶	۱۹	۱۸	۱۱
۱۳	۱۲	۵	۳۴	۲۷	۲۰
۲۸	۲۱	۱۴	۷	۶	۲۵

فصل هفت در هفت

بدانکه تعلق بعطارد دارد
چون عطارد بپانزده درجه
سنبله رسد و زحل و
مریخ ساقط و عطارد در
طالع بود یا در دهم یا در یازدهم
و سعد طالع و آفتاب
ناظر مقبول و قمر زاید النور بنظر تسدیس یا به تثلیث و زهره و مشتری ناظر طالع بود و مستقیم باشند
و از احتراق و هبوط و وبال دور باشد این شکل را بر حریر کشند و به مشک و زعفران بنویسند
معروف و محبوب گردد دارنده این شکل پیش اکابر و صدور و حکما و علما و غیره بغایت معزز و مکرم باشد

واو را بوز

۱۳۱

واو را انجابت دوست دارند و روی در کاری که آرد آسان بر آید و فکر در هر مسئله که کنند

آسان گردد و در لطف و فصاحت بیفزاید و در تحت علوم کس با وی بر نیاید چون ضرب

کنی صد و هفتاد و پنج باشند و از عرض و طول و فقر همین وفق بدهد و زنهار که عزیز داری و چشم

حقارت منگری که انبیا و اولیا و حکما عزیز داشته اند و درین مثلهائی عزیز و غریب است و بالهای

تمام تجربه یافته اند و در نسخ کتاب بدین صورت شرح نیافته است و شکل هفت در هفت این است

فصل هفت در هفت

۹ ۱۹	۱۴ ۲۴	۲۵ ۳۵	۲۳ ۳۳	۴۱ ۵۱	۴۴ ۵۴	۱
۲۶ ۳۶	۳۴ ۴۴	۴۲ ۵۲	۴۳ ۵۳	۲ ۱۲	۱۰	۱۸
۳۶ ۴۶	۴۴ ۵۴	۳ ۱۳	۱۱ ۲۱	۱۹ ۲۹	۲۷ ۳۷	۳۵ ۴۵
۴ ۱۴	۱۲ ۲۲	۲۰ ۳۰	۲۸ ۳۸	۲۹ ۳۹	۳۷ ۴۷	۴۵ ۵۵
۲۱ ۳۱	۲۲ ۳۲	۳۰ ۴۰	۳۸ ۴۸	۴۶ ۵۶	۵ ۱۵	۱۳ ۲۳
۳۱ ۴۱	۳۹ ۴۹	۴۷ ۵۷	۶ ۱۶	۱۴ ۲۴	۱۵ ۲۵	۲۳ ۳۳
۴۸ ۵۸	۷ ۱۷	۸ ۱۸	۱۶ ۲۶	۲۴ ۳۴	۳۲ ۴۲	۴۰ ۵۰

بدانکه به مشتری دارد و چون مشتری
بپانزده درجه سرطان برسد و
زحل و مریخ از وی ساقط باشند
و آفتاب در حوت یا در ثور یا در
عقرب بود و قمر در حمل یا در ثور یا

در اسد یا در سنبله یا در حوت و زهره در عقرب یا در سرطان یا در حوت یا در حمل و عطارد

در سنبله یا در عقرب و مشتری بدرجه شرف و طالع وقت هم برج سرطان بپانزده درجه این شکل

بر قرص نان بنویسند با گلاب و مشک و زعفران و هر رنجوری که آن نان بخورد در حال اثر

صحت بروی پیدا گردد و اگر نان نتواند خورد این شکل را بر بادوزن کشند که از کاغذ باشد و باد

بر وی زنند یکهفته نکنند که صحت یابد اگر چه بدرجه مرگ رسیده باشد و اگر اسب و هر حیوانیکه

باشد مثلا پرنده و چرنده رنجور بود این شکل بر این وقت طالع که نمودیم بر کاغذ کشند

وبرگردن وی ببندند البته صحت یابد ودارندهٔ این شکل هرگز بهیچ درد ورنج گرفتار نگردد
وپیوسته درصحت باشد واین شکل بغایت مبارک است بشرف مشتری باشد
باید که این هشت در هشت چهار قسمت کند یعنی چهار چهار باشد اول عبارت
آغاز کند تا هشت بنهد باز چهار در چهار آید تا شانزده بنهد و باز چهار در چهار سوم آید
تا بیست وچهار بنهد و باز چهار در چهار آید تا سی ودو واگه فیل وازسی وسی وپنج بنهد علی هذا
بدین طریق باز گردد بدانکه هشت درهشت شصت وچهار باشد از عرض وطول وقطر همین
وفق بدهد واین شکل تعلق به مشتری است شکل این است

۱۶	۵۱	۵۴	۹	۸	۵۹	۶۲	۱
۵۳	۱۰	۱۵	۵۲	۶۱	۲	۷	۶۰
۱۱	۵۶	۴۹	۱۴	۳	۶۳	۵۸	۶
۵۰	۱۳	۱۲	۵۵	۵۷	۵	۴	۶۴
۳۲	۳۵	۳۸	۲۵	۲۴	۴۳	۴۶	۱۷
۳۷	۲۶	۳۱	۳۶	۴۵	۱۸	۳۳	۴۴
۲۷	۴۰	۳۳	۳۰	۱۹	۴۸	۴۱	۲۲
۳۴	۲۹	۲۸	۳۹	۴۲	۲۱	۲۰	۴۷

نهم درنه بدانکه این شکل
تعلق بمریخ دارد چون مریخ به بیست
وهشت درجه جدی رسد یعنی طالع
برج جدی وزحل ساقط نباشد
باید که درعقرب بود یا در دلو
یا در ثور یا در میزان یا در عقرب
یا درحوت وزهره ومشتری

از سدس وتثلیث ناظر وآفتاب در جای مقبول مستقیم این شکل بر تخته فولاد یا آهن
یا بر اطلس سرخ یا بر کاغذ برنگ شنجرف نقش کنند چنانکه مریخ بدرجه طالع برج جدی باشد
دارندهٔ این در جنگ ومصاف بر خصم مظفر ومنصور باشد وغالب گردد ودشمن مقهور شود

۱۱۵۸

واگر بر سر علم و نیزه بندند نیز بر خصم ظفر یابند آمدیم بشرح نهادن آن نه در نه قسمت کنند
هر قسمی نه نه در نه نه آنجا که سه در سه یکی می نهند سه در سه نهند و آنجا که سه در سه بر کنند
وعلی هذا بدین نوع تمام کنند و هر چه قسمت پر نبود او حاجت میزان نداره و نه در نه
هشتاد و یک خانه باشد و چون یکی بر سر وی بریم هشتاد و دو گردد و چون در نیمهٔ نه که
چهار و نیم است ضرب کنیم سیصد و شصت و نه عدد باشد و از طول و عرض و قطر همین وفق
بدهد و این شکل را مبارک داشته اند و اهل کشتی گیران و سوار را از آنیکو باشد شکل نه در نه اینست

۷۱	۶۴	۶۹	۲۶	۱۹	۲۴	۳۵	۳۰	۳۱
۶۶	۶۸	۷	۲۱	۲۳	۲۵	۲۸	۳۲	۳۶
۶۷	۷۲	۶۵	۲۲	۲۷	۲۰	۳۳	۳۴	۲۹
۸	۳	۴	۴۴	۳۷	۴۴۳	۷۴	۷۹	۷۸
۱	۵	۹	۳۹	۴۱	۴۳		۷۷	۷۳
۶	۷	۲	۴۰	۴۵	۳۸	۷۶	۷۵	۸۰
۴۷	۵۲	۵۱	۶۲	۵۷	۵۸	۱۱	۱۶	۱۵
۵۴	۵۰	۴۶	۵۵	۵۹	۶۳	۱۸	۱۴	۱۰
۴۹	۴۸	۵۳	۶۰	۶۱	۵۶	۱۳	۱۲	۱۷

۷۷	۵۸	۳۹	۲۰	۱	۷۲	۵۳	۳۴	۱۵
۶	۶۸	۴۹	۳۰	۱۱	۷۳	۶۳	۴۴	۲۵
۱۶	۷۸	۵۹	۴	۲۱	۲	۶۴	۵۴	۳۵
۲۶	۷	۶۹	۵۰	۳۱	۱۲	[illegible]	[illegible]	۴۵
۳۶	۱۷	۷۹	۶۰	۴۱	۲۲	۳	۱۵	۴۶
۳۷	۲۷	۸	۷۰	۵۱	[illegible]	۱۳	۱۵	۵۶
۴۷	۲۸	۱۸	۸۰	۶۱	۴۲	۲۳	۴	۶۶
۵۷	۳۸	۱۹	۹	۷۱	۵۲	۳۳	۱۴	۷۶
۶۷	۴۸	۲۹	۱۰		۶۳	۴۳	۲۴	۵

۴۵	۳۴	۲۳	۱۲	۱	۸۰	۶۹	۵۸	۴۷
۴۶	۴۴	۳۳	۲۲	۱۱	۹	۷۹	۶۸	۵۷
۴۶	۵۴	۴۳	۵۴۳ (۳۲)	۳۴ (۱۲)	۱۰	۸	۷۸	۶۷
۱۶	۵۵	۵۳	۴۲	۳۱	۲۰	۱۸	۷	۷۷
۷۶	۶۵	۶۳	۵۲	۴۱	۳۰	۱۹	۱۷	۶
۵	۷۵	۶۴	۶۲	۵۱	۴۰	۲۹	۲۷	۱۶
۱۵	۴	۷۴	۷۲	۶۱	۵۰	۳۹	۲۸	۲۶
۲۵	۱۴	۳	۷۳	۷۱	۶۰	۴۹	۳۸	۳۶
۳۵	۲۴	۱۳	۲	۸۱	۷۰	۵۹	۴۸	۳۷

فصل ده در ده بدانکه تعلق بمشتری دارد چون مشتری به پانزده درجه یا در آخر برج سنبله یا در
بیست و پنج درجه قوس یا در ده درجه حوت رسد و طالع وقت همان برج بود که مشتری در وی است
و زحل و مشتری و مریخ ساقط و زهره و آفتاب از تسدیس یا به تثلیث ناظر و قمر در وسط السماء
و یا در حادی عشر این شکل بر اطلس سفید یا حریر یا بر کاغذ یا بر قلعی نقش کند دارندهٔ این نقش را
نعمت بسیار بروی جمع گردد گنج و دفینه و میراثها و مالها با رنج بیرون بروی گرد آید و هرگز
درویش نگردد و پیش جمیع خلق معزز گردد و شرح نهادن وی چنانست هر اشکال که قسمت
مینبرد قسمت کند و هرچه قسمت نمیپذیرد باید که در دایرهٔ اول و باقی قسمت کند و بهر
طریق که تواند نهادن بنهد مثل ده در ده باید که ابتدا از سطر آخرین بکند از خانهٔ دوم از گوشهٔ
دست راست و یکی آنجا بنهد و دو فرس طولی بر بالا همه بنهد و سه فرس طولی در سطر زیر بنهد
همچنین تا بهفت و هشت فرس و از گوشهٔ دست چپ از بالا بنهد یازده فرس عرض

بنهد

هشت بنهد و دوازده فرس عرض یازده بنهد و سیزده میان سطر از کنارهٔ دست
راست بنهد و چهارده بر سیزده بنهد و پانزده فرزین هشت بنهد و شانزده
فرس عرض چهارده بنهد و هفده فرس عرض شانزده بنهد و هیجده فرس عرض هفده بنهد.
و این دوازده هیجده میزانست اکنون هشت در هشت در جوف دو نماند و چهار چهار
در چهار قسمت کند و لعبارت بنهد انجا که چهار در چهار اول ابتدا کند یکی می نهد
هیجده بر سر وی برند نوزده بنهد و انجا که دومی نهد هیجده بر سر وی برند و بیست بنهد و علی هذا
چون هشت در هشت تمام کند باسر میزان اصل آید یعنی هیجده برابر هشتاد و سه بنهد
و برابر هفتاد و چهار بنهد علی هذا چنانکه برابر یکی صد آید و ده در ده را میزان تا هیجده است
و بیده تمام می شود که در ده صد باشند و چون یکی اصل عدد است بر سر وی بریم و بر پنج ضرب کنیم
پانصد و پنج بود و از عرض و طول و قطر همین وقف بدید و آنچه حکمای بزرگ فتوی داده اند مثلا
افلاطون و جاماسب و جالینوس و ارسطو و بوعلی سینا و جماعت حکما تا ده در ده بیش امتحان
نکرده اند و بیش ازین نورزیده اند و هر یکی بشرف کوکبی منسوب کرده اند و مراد خود از هفت
اقلیم و هفت طبقهٔ مردم که در عالم اند و هر یکی هفت کانه دارند روز هفته هر یکی روزی دارند
و دوازده بروج بدین هفت ستاره منسوبست چنانکه شرح این اهل نجوم را معلوم است
بدین سبب میل زیاده یا شکل دیگر نکرده اند از جهة که نه در روزگار نوشیروان
عادل پانصد در پانصد می نهادند و بغایة عزیز میداشتند تا زمانیکه بهترین عالم و خلاصهٔ
موجودات علیه الصلوة والسلام رسید و نام آن علم درفش کاویان بود اگر آنرا حکیم افلاطون

نهاده بود در شرف آفتاب و شرح آن بسیارست در کتب مبسوطات مسطورست

اما این ضعیف نهادن هر شکلی را شرحی می گوید چنانکه در هیچ کتابی نگفته اند اما بعضی شرح

در خواص هر شکلی در کتابها گفته اند و معروفست میان خلایق اما نکتها در هیچ کتابی نباشد

مگر در دل کسیکه بزرگان تمام تجربه یافته باشند شکل ده در ده اینست بعون الملک الوهاب

۱۰	۸۶	۹۴	۶	۹۶	۴	۹۱	۲		۹
۱۸	۳۴	۶۹	۷۲	۲۷	۲۶	۷۷	۸۰	۱۹	۸۴
۸۴	۷۱	۲۸	۳۳	۷۰	۷۹	۳۰	۲۵	۷۸	۱۷
۱۶	۲۹	۷۴	۶۷	۳۳	۲۱	۸۲	۷۵	۲۴	۸۵
۸۷	۶۸	۳۱	۳۰	۷۳	۷۶	۲۳	۲۲	۷۲	۱۴
۸۸	۵۰	۵۳	۵۶	۴۳	۴۲	۶۱	۶۴	۳۵	۱۳
۱۲	۵۵	۴۴	۴۹	۵۴	۴۳	۳۶	۴۱	۶۲	۸۹
۹۰	۵۴	۵۸	۵۱	۴۸	۳۷	۶۶	۵۹	۴۰	۱۱
۸	۵۲	۴۷	۴۶	۵۷	۶۰	۳۹	۳۸	۶۵	۹۳
۹۲	۱۵	۷	۹۵	۵	۹۷	۳	۹۹	۱	۹۱

بدانکه هر کوکب را دعوت واجب بود خواندن وقت تا حاجت بمراد حاصل شود و هر

کوکبی را دعوة هست بدینگونه نموده می شود دعوة زحل در بعض بسم الله الرحمن الرحیم

ایها السید العظیم اسمه الکبیر شانه الرفیع قدره العالیه بطشه الشدید وانت

الزحل البائس البارد المظلم النحس بالصادق القول صاحب النصب و التعب

المبعوث بالغم والحزن المتخل من الفرح المحتال المکار العالم الفهیم الشیخ المجرب السقی

من نحسته و السعته من اسعدته واب لک ایها الداب الزکی بحق الاتابک الاعظم واخلاقک
الکریم ان تفعل بمرادی و مقصودی دعوات شمس در سعادت و اقبال بسم الله الرحمن الرحیم
ایها السید الحار الیابس المنیر الدین الحاکم الملک قل بلدة الکوکب و درست علیها و بعاث
لک واذ بعدت عنها رجعت عنک واذ اقربت منک احرقت و من نورک تقتبس و
من ضیائک تشترق ذالک فلک الفضل علی جمیعها انت الملک علیهم و هم الخدمة تسعد اذا
نظرت و تنحس اذا جامعت فلم یحاط بکنه معرفتک و معرفت فضلک ولا تدرک کنه سر فلکک
اسألک ان تفعل بمرادی و مقصودی دعوات قمر در سرعت منال بسم الله الرحمن الرحیم
ایها السید السعید البارد الرطب الجمیل الفرح القاضی فی بیر محب اللهو والهزل و اللعب
صاحب الرسل والاخبار و قلت کتمان السر البدر السنی الکریم الحکیم انت اقربهم الینا فلکا
و اعظمهم نفعا و ضررا و انت تولف بین الکواکب الناقل انوارها و المصلح بین بعضها ببعض
بصلاحک یصلح کل شیئ و بفسادک تفسد کل شیئ اول کل شیئ و آخره اعطاک الله
بتسلط لک الکرامته و الفضل والشرف اسألک ان تفعل بمرادی و مقصودی دعوات مریخ در
و نعض بسم الله الرحمن الرحیم ایها السید الفاضل الحار الیابس الشجاع القلب المریق للدماء
المهیج للدهماء المحرق المهرق للدم الدائر الذکی القوی القلب القاهر الغالب البطاش
بالحدید صاحب الشر و العداوت والضرب و السجن والکذب و النمیمة القلیل المبالات القتال
الوحید الغریب حامل السلاح کثیر النکاح اسألک ان تفعل بمرادی و مقصودی دعوات عطارد
در کارهای دقیق بسم الله الرحمن الرحیم ایها السید الفاضل الصادق العاقل الناطق

الفهيم الناظر العالم الكاتب والمحاسب باخبار السموات والارض القليل الورع

المفسد للمال والتجارة صاحب الخبث والمكر والبهاء والدهاء وكالسعد والظنون

الصادق اللطيف الخبير الكثير الحمية فلا يعرف لك طبع ولطف فلم يوجد لك وصف

وانت السعود سعد مع النحوس نحس ومع الذكور ذكر ومع الاناث اناث ومع النهار

نهاري ومع الليل ليلي بمازجهم في طبايعهم ونشاكلهم في مشاكلتهم كل ذالك لك ان

تفعل بمرادي ومقصودي دعوات مشتري در محبت بسم الله الرحمن الرحيم ايها السيد المبارك

الحار الرطب الحكيم الجليل العالم الصادق صاحب العدل والدين الزاهد البارع عظيم الهمة

الصالح الكريم السخي المعين الوفي بالعهد اسالك ايها الداب بحق اخلاقك الجميلة وافعالك

النفيسة اسالك ان تفعل بمرادي ومقصودي دعوات زهره در محبت ونهيج بسم الله الرحمن الرحيم

ايها السيدة المباركة الرطبة المعتدلة اللطيفة العطرة الحسنة الخلقة الضاحكة الحلي والزينة

والذهب والفضة واللهو واللعب والطرب والسماع الذي تحرك به العيدان صاحبة

اللهو واللعب والمزاح القاهرة الطاهرة الهائلة المتوددت المتودت المتوكلة .

العادلة المحبة للخير والنكاح صاحب السرور اسالك ان تفعل بمرادي ومقصودي

بزرگان دین مبغر ما بند در وضع سه در سه فصل وضعی نهاده اند حکیمان

روزگار کاعداد آن بر مه بخواهم همی نوشت واز خواجه نصیر طوسی منقول است که حروف

نه کانه مرتبه احاد است بر عصای موسی ع مرسوم بود و در ابطال سحر مجرب است اما جهت

وضع حمل این شکل را بر سه پاره سفال آب ندیده بنویسند یکی بر زانوی راست

دیگر ارا زن

و یکی بر زانوی چپ و یکی بر پشت زن ببندند در ساعت وضع حمل شود جهت محبوس در روز
دوشنبه ساعت قمر بنگارد و محبوس در زیر پای نهد از بند و زندان خلاص شود جهت گریخته این
شکل بنگارد و نام او در برابر عدد بنویسد و در محل خوابگاه او دفن کند و سنگ گران بر بالای
آن نهد گریخته متحیر شود و باز گردد جهت دفع ملخ این شکل را بچهار پاره کاغذ بکشند و هر یک در کوزهٔ
نو آب نارسیده نهد و در چهار گوشهٔ کشت زار دفن کنند ملخ بر طرف شود جهت باطل السحر
این شکل بنگارد و آیة الکرسی را بحروف مقطع در حوالی او نویسد و باب حل کند و بدان آب
خود را بشوید سحر باطل شود جهت فتح الرجال همین صورت بعمل آرد مجربست و موثر جهت راه رفتن
چون قمر در شرف باشد نه در تحت الشعاع بنظر سعود این شکل بر پوست آهو بنویسد حامل آن
قادر گردد و از راه رفتن عاجز نشود جهت غالب شدن بر دشمن چون قمر در سرطان باشد و ناظر السعود
این شکل بر نقره خالص بنگارد حامل آن بر دشمن غالب گردد جهت محبت چون بروز زهره و ساعت
زهره بنگارد حامل آن با هر که سخن کند مطیع گردد جهت خوف چون در روز قمر و ساعت قمر بنگارد
حامل آن در سفر و حضر از جمیع خوف ایمن گردد جهت حاجت چون احتیاج برین باشد بنویسد
حامل آن بهر حاجت که متوجه شود روا گردد جهت جاه و حشمت چون قمر ناظر شمس باشد
به تسدیس یا به تثلیث این شکل نگارد حاملش را جاه و حشمت بیفزاید جهت محبت چون
بطلوع اسد نویسد و فتیلها سوزد با شمع مطلوب و بخور به مشک و زعفران کند تاثیر
بی نهایت دهد جهت تفریق چون قمر بتربیع یا مقابلهٔ مریخ باشد باسم شخص نویسد و در میان
ایشان تفریق واقع شود و حکما گفته اند که این شکل را بسیار نگاه نباید داشت که برنیلی

می آرد سه در سه عداوت انگیزد چار در چار باهم آمیزد و شرط نوشتن ا پلیت

که بخور بسوزد و عزیمت بخواند بجهة محبت قمر ناظر زهره یا مشتری باشد جهة فتوحات

همچنین ست بدانکه ابتدای این شکل از ابتدای این شکل دوم جهة تفریق ابتدای آتشی

از خانه هشتم از تقهیر و تسلیط و تهلیل چهارم خانه توانکرد بصورت محبت

از چهارم خانه جهة هر یک شکل را ازین موکل ست و تخریب و تخفیف مریض

و تفریق نظم طبیعی جهة فتوحات خروجه ابتدا از خانه ششم باید نمود و درین شکل

بسیار غرایبات ست ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم

آتشی			آبی			خاکی		
۸	۱	۶	۴		۲	۶	۷	۲
۳	۵	۷	۳	۵	۷	۱	۵	
۴	۹	۲	۸	۱	۶	۸	۳	۴

آتشی			بادی			بادی		
۵		۱	۴	۳	۸	۲	۷	۶
۳	۴	۸	۲	۷	۶		۵	۱
۷	۲	۶	۹	۵	۱	۴	۳	۸

تیغ دادن در کف زنگی مست به که باید علم را نادان بدست یعنی حکما فرموده اند

که جهة اعمال خیر حروف فردحات نویسند و از جهة اعمال شر حروف مفردات

دمام دد

وما هر دو عمل را باز نمائیم تا بر طالبان صادق آسان شود انشاء الله تعالی جهة گریخته
و دزد ابتدا از خانه هشتم کنند و در وسطا و یکدام نقره بنهند و در پیچند و در اندرون
تاریک پنهان و سنگ گران بر سر آن نهند دزد و گریخته باز آید جهة مریض چون در
شرف قمر نویسند و بر بخور بندند شفا یابد بعون الله تعالی فصل در خواص مربع چهار
در چهار این عدد ستائل خوانند و هر که با خود دارد رفعت و عزت افزاید و جهت
تحصیل مرادات مناسب است چون آفتاب در شرف باشد هر که نوشته با خود دارد
مقبول نظرها گردد و محبوب سلاطین شود صنکوح باذن اهلهن
۹۶۱ یغنی کم الله من فضله ۲۲۱ مربع این است

۲۴۰	۲۴۹	۲۵۴	۲۲۶	۵۵۰	۵۵۳	۵۵۶	۵۴۳
۲۵۲	۲۲۹	۲۳۱	۲۵۰	۵۵۵	۵۴۳	۵۴۹	۵۵۴
۲۳۰		۲۴۴	۲۳۶	۵۴۴	۵۵۹	۵۵۱	۵۴۹
۲۴۶	۲۳۴	۲۳۲	۲۵۶	۵۵۲	۵۴۷	۵۴۵	۵۵۷

نوع دیگر اگر کسی دست تنگ شده باشد و در کار خود حیران بود این مربع را نوشته
با خود نگاه دارد بفرمان الله تعالی فرج یابد و بجهة توانگری دوازده بار بخواند و با کسی سخن
بگوید توانگر گردد
مربع این است

٧٠	٧٣	٧٧	٦٣	یا وفی ح	یا علی و	یا غنی د	یا قوی ب
٧٦	٦٤	٦٩	٧٤	ب	د	و	ح
٦٥		٧١	٦٨	و	ح	ب	د
٧٢	٦٧	٦٦	٧١	د	ب	ح	و

نوع دیگر در طریق ذو الکتاب طریق این ست اسمی در سطر اول ثبت شد
و هر خانه را سه خانه دیگر عدد او ست خانهٔ دویم و سیوم و چهارم عدد خانه اول با
پنجم و ششم و هفتم عدد خانه چهارم باشد اسم حفیظ بطریق ذو الکتاب
بنگارند حامل آن از همه بلاها محفوظ باشد مجرب ست آ مربع این ست

ط	ی	ف	ح
٧٩	٩	١٩٩	١١
١٠		١	١٩١
٩	١٩٧	١١	٩١

در اصطلاح صوفیان و فقیهان مظهر ست و مضمر و ذو الکتاب بر چند نوع ست نصفی و ربعی و سدسی و اما سدسی آن ست که یکی تا بدوازدهم خانه نصف
نظم طبیعی بود بعد ازان از ضلع بیست و یک طرح کند و باقی در خانه سیزدهم نهد
و تمام کنند که قطر و ضلعش راست آید طریق نصفی چنان ست عدد اسمی که بگیرد
ازان عدد نصف طرح کند و نصفی دیگر از یکی تا هشت بطریق نظم طبیعی در خانها
بنهند

ثبت کند مثال منعم دویست عدد است نصف طرح کردیم یکصد ماند از یکی تا به هشت
ثبت کردیم باقی نود و دو ماند در خانهٔ نه نهادیم اگر کسری باشد در خانهٔ سیزده بیفزاید
تا راست آید و طریق ربعی چنانست که آنچه عدد اسم مطلوب است یک طرح کند بصورت
نظم طبیعی تا بچهار بر کرده آید و باقی را سه قسم کند و یک قسم در خانه پنجم نهد بطریق
نظم طبیعی تا وقف راست آید مثال علی یکصد و ده عدد است سی طرح کردیم باقی
هشتاد ماند بچهار قسم کردیم هر قسمی بیست عدد شد یک قسم در خانه اول نهادیم
و تمام کردیم و این قاعده را سه کسر باشد یک کسر را در خانهٔ پنجم زیاده کند
دو کسر باشد یک کسر را در خانهٔ نهم زیاده کند و یک کسری باشد در خانهٔ سیزدهم زیاده کند

سدسی

١	٢٠	١١	٩
١٣	٧	٢	١٩
٦	٩		٣
٢١	٤	٥	١٠

نصفی

١	٩٧	٩٤	٨
٩٥	٧	٢	٩٦
٦	٩٢		٣
٩١	٤	٥	٩٣

ربعی عدد آدم ۴

١	١٦	١٣	١٠
٤	٩	٢	١٥
٨	١١		٣
١٧	٤	٧	١٢

نظم طبیعی عدد علی ۴

٢٠	٣٣	٣٠	٢٧
٣١	٣٦	٢١	٣٢
٢٥	٢٨		٢٢
٣٤	٢٣	٢٤	٢٩

نوعدیگر هرکه این تکسیر سورهٔ فتح را هر روز نظر کند یا با خود نگاه دارد با هیبت

و عزت باشد و جمیع خلایق مطیع او گردند و تمام عمر بخوشی و خرمی گذراند و اورا فتوحات

بسیار رو نماید و از چشم زخم و زبان بدگویان در امان حق تعالی باشد و هیچ آفتی

و بلائی بصاحب این تکسیر نرسد جهة فراخی رزق بعد از نماز فجر بیست و پنجبار بخواند در اثنای

چند روز رزق و روزی بروی فراخ گردد بفرمان رب العزت خواص عدد اذا جاء نصر الله

در شرف آفتاب این شکل بنگارد و هر که با خود دارد رزق و روزی بروی گشاده گردد

و اگر غمی داشته باشد بفرح مبدل شود حامل این مربع دائما فرحناک باشد عدد این سوره

شش هزار و یکصد و بیست و چهار اذا جاء نصر الله والفتح ۱۶۳۸ و رایت الناس

یدخلون فی دین الله ۱۶۷۹ افواجا فسبح بحمد ربک و استغفره ۲۲۷۰ انه کان توابا ۵۳۷

			۱۰۱۹	۱۰۳۰	۱۰۳۴	۱۰۳۷	۱۰۲۳
				۱۰۳۶	۱۰۲۴	۱۰۲۹	۱۰۳۵
				۱۰۲۵		۱۰۳۲	۱۰۲۸
۱۰۲۴				۱۰۳۳	۱۰۲۷	۱۰۲۶	۱۰۳۸

نوعدیگر خواص معوذتین جهة فتح الرجال این دو سوره را عدد بگیرند و عدد اسم آنکس

اضافه کنند بمشک و زعفران بنویسند چون با خود نگاه دارند گشاده گردد و بصحبت

مشغول شود و از جهة باطل السحر مجرب است همین صورت که ذکر رفت و ترسیدن و خیال

فالدو

فاسد را موثر است قل اعوذ برب الفلق ١٣٥٢ من شر ما خلق ومن غاسق ١٣١١٦ اذا وقب ومن شر النفاثات ٦٩٤٤ فی العقد ومن شر حاسد اذا حسد ١٣٧١ جمله عدد اصل حروف ١٦٢٤٤٣ قل اعوذ برب الناس ملک الناس ٥٤٩١ اله الناس من شر الوسواس الخناس ٢٣٩ الذی یوسوس فی صدور ١٥١٠ الناس من الجنة والناس ١٠٦٤ جمله عدد ٥٢٩٦

اصل حروف ١٣٥ معکوسین ١٣٩٧٣

١٣٢٣	١٣٢٦	١٣٢٩	١٣١٦	٢١٦٩	٢١٧٢	٢١٧٥	٢١٦١
٣١٢٦	١٣١٧	١٣٢٢	١٣٢٧	٢١٧٤	٢١٦٢	٢١٦٨	٢١٧٣
١٣١٨		١٣٢٤	١٣٢١	٢١٦٣		٢١٧٠	٢١٦٧
١٣٢٥	١٣٢٠	١٣١٩	١٣٣٠	٢١٧١	٢١٦٦	٢١٦٤	٢١٧٦

نوع دیگر جهة ترسیدن در خواب وفتح ونصرت یافتن در جنگ این مربع را روز یکشنبه وقت برآمدن افتاب نوشته با خود دارد وبجهة درد نیم سر نوشته بر سر بندد مجرب است

خواص پنج در پنج چون زهره در شرف باشد بطالع حوت این شکل بر کشند در مودت وحرب القلوب اثر عظیم دارد وچون خواهند که تفریق میان دو شخص واقع شود این شکل بنگارند چون

١٤	١	٩	١١
٧	١٢	١٣	٢
٩	٦	٣	
٤	١٥	١٠	٥

قمر بتربیع تقابل بزهره باشد باحجریکه منسوب بزهره باشد اثر عظیم دهد اگر بلوحی از مس
بر نگارند یا حجریکه منسوب بزهره باشد هر کس که با خود دارد جذب القلوب کرده اما
زن و آن او را حاصل شود و چون زهره در بیست و هفتم درجهٔ حوت باشد یا در چهارم
درجهٔ میزان و قمر ناظر بزهره به مشک و زعفران بر کشند و بآب حل کنند و بخورد هر کس
بدهند محبتی عظیم از او بفعل آید و اگر بزن و شوهر دهند دفع مخالفت شود در میان ایشان
و جهت محبت مؤثر است و جهت عقد اللسان موافق و اگر بطالع عقرب نام دشمن
بر کشند یا طالع دلو و قمر ناظر بتربیع زهره و مریخ یا زحل بمقابله بود دشمن مقهور و ذلیل
گردد و اگر در خانهٔ دشمن دفن کنند ویران شود و اگر مریخ در عقرب باشد و ماه
در سرطان این شکل بر کشند و با خود نگاه دارند شجاع و دلیر گردند تا غایتیکه هیچکس
بر او غالب نشود و قوت عظیم در خود مشاهده کند و هر کس که این شکل بنویسد
چون قمر بتربیع مریخ باشد و بیست و پنج پاره کند در خانهٔ هر کس که بیندازند تفرقه در
مقام آنکس پیدا شود و اگر در شرف زهره بنویسند و بآب حل کنند و هر طفلی را
که آن آب بدهند ذهنش صاف شود و اگر به مشک و زعفران بنویسند و
با خود نگاه دارند مجامعت را اثر قوی دارد و اگر ساعتی مخار بنگارند و نام آنکس که
خواهند بر پشت او بنگارند مطلوب طالب شود و اگر بر پوست شیر بنگارند حامل
این بر دشمن غالب گردد و اگر قمر بآفتاب برسد و آفتاب ضعیف بود بنگارند
و نام دشمن بنویسند و بسوزانند دشمن رنجور شود و اگر بمس بنگارند بر دشمن

مسلط

مسلط شود بامر الله تعالی و مخمس بانواع میتوان نوشت همچنانکه مربع نگاشته شد
اما چند نوع که ضرورت باشد نموده شود تا بر استادان نموداری بود و بر طالبان اساس انفع

					٧	١٣	١٩	٢٩	١
		١			٢٠	٢١	٢	٩	١٤
٣					٣	٩	١٥	١٦	٢٢
			٣		١١	١٧	٢٣	٤	١٠
	٤				١٤	٥	٦	١٢	١٨

نوع دیگر مخمس خالی القلب که در ملک قدوس پر کرده میشود برای هر حاجت که خواهند بنویسند
آن حاجت و نام حاجتمند را در خانهٔ متوسط بنویسند و این مخمس را پر کنند و
موافق عدد اسمین هر دو اسم بخوانند مخمس اینست

٣٢	١٥	٤٩	٦١	٦٤
٩	٧٦	٣٤	١١٢	٤٠
١٤	٥٢		٦٦	٣٦
٦٥	٣٦	١١٦	٤٤	١٢
٥٦	٤	٧٣	٢٥	١٩

فصل خواص عدد هفت در هفت چون کسی را نسیان غالب باشد این
شکل با خود دارد هر چه فراموش کرده باشد بیادش آید و عقلش کامل گردد و در
علم بهره مند شود و نزد وزرا و ارباب فتح عزیز و محترم گردد و شاعر و فصحا را

این شکل داشتن بسیار خوب است و چون این شکل بر پوست خر بنام شخصین بنویسید و در گور [illegible]
دفن کنند میان ایشان تفریق شود و اگر جهة محبت کنند چون هفت روز از ماه بگذرد روز هفتم و ساعة
هفتم این شکل بنگارد و هر یک در میان تخم مرغ که خالی کرده باشند بنهند و در شب آتشدان دفن کنند
تا گرمی آتش باو رسد در محبت اثر عظیم دارد و اگر به نیت محبوب بنویسد و به آب حل کنند
و بخورد آنکس دهد مطیع و فرمانبردار گردد و دارنده این شکل را کارهای دشوار آسان شود و
هر که در مباشرت سست بود این با خود دارد قوت پیدا شود مثال و رفتاری در این است

۲۹ ۹	۹۳ ۱۰۰ ۸ ۱۷	۱۰۸ ۲۵	۱۱۶ ۲۴	۱۲۴ ۱۴۶ ۴۱ ۳۳	۱۴۳ ۴۴	۹۴ ۱
۱۰۹ ۲۶	۱۱۷ ۳۴	۱۲۵ ۴۲	۱۲۷ ۴۳	۸۵ ۲	۹۳ ۱۰	۱۰۱ ۱۸
۱۱۹ ۳۶	۱۲۸ ۴۴	۸۶ ۳	۹۴ ۱۱	۱۰۲ ۱۹	۱۱۰ ۲۷	۱۱۸ ۳۵
۸۷ ۴	۹۵ ۱۲	۱۰۳ ۲۰	۱۱۱ ۲۸	۱۱۲ ۲۹	۱۲۰ ۳۷	۱۲۹ ۴۵
۱۰۴ ۲۱	۱۰۵ ۲۲	۱۱۳ ۳۰	۱۲۱ ۳۸	۱۳۰ ۴۶	۸۸ ۵	۹۶ ۱۳
۱۱۴ ۳۱	۱۲۲ ۳۹	۱۳۱ ۴۷	۸۹ ۶	۹۷ ۱۴	۹۸ ۱۵	۱۰۶ ۲۳
۱۳۲ ۴۹	۹۰ ۷	۹۱ ۸	۹۹ ۱۶	۱۰۷ ۲۴	۱۱۵ ۳۲	۱۲۳ ۴۰

فصل در خواص سوره اخلاص هر که مربع پانزده در پانزده در پانزدهم شهر شعبان بنویسد و با خود
دارد صاحب جاه و رفعت بود و عزت تمام یابد و در چشم خلایق عزیز و مکرم بود و هر که او را بیند
دوست دارد و جمیع سخن او کنند و هر حاجتیکه داشته باشد این سوره را صد و بیست بار بخواند و یکصد و

نقش بوزن

سُفت نوبت صلوات بر محمد و آل او فرستند حاجتش روا گردد و از سحر ایمن گردد
و در هر شرف که نویسند خواص آن کواکب دریابد و چون آفتاب در شرف باشد بنگارند هر که
با خود دارد حاجتش روا شود و بر دشمن غالب گردد و این مربع را خاصیت بسیار است الهند بقدر مختصر
کرده شد تا خواننده و نویسنده ملال نگردد اگر برابر دشمنان فرستد بصد دل پیش خود نگاه دارند از همه بلاها ایمن باشند این است

سهم ا	ابجد	م	جبهتر	لوی	سهرتم	لوی	بجد	حم	بجد	حم	بیهتم	حم	نصف	احد
ابجد	م	جبهتر	لوی	سهرتم	لوی	سهته	م	بجد	حم	بجد	حم	بیهتم	م	نصف
م	جبهتر	لوی	سهرتم	لوی	سهته	لو	الصمد	م	بجد	حم	حم	حم	بیهتم	م
جبهتر	لوی	سهرتم	لوی	سهته	لو	سهرا	سهرا	الصمد	م	بیهتم	حم	بجد	حم	بیهتم
لوی	سهرتم	لوی	سهته	لو	سهرا	سهرا	اله	سهرا	الصمد	م	بجد	حم	بجد	حم
سهرتم	لوی	سهته	لو	سهرا	سهرا	سهرا	سهرا	اله	سهرا	الصمد	م	بجد	حم	بیهتم
لوی	سهته	لو	سهرا	سهرا	سهرا	سهرا	بجد	سهرا	اله	سهرا	الصمد	م	بجد	حم
سهته	لو	سهرا	سهرا	سهرا	سهرا	سهرا	قل	هو	الله	احد	الله	الصمد	لم	یلد
قل	بجد	سـ	الصمد	الله	احد	الله	هو	الله	احد	الله	الصمد	لم	یلد	ولم
یولد	[illegible]	بجد	سـ	الصمد	الله	احد	الله	احد	الله	الصمد	لم	یلد	ولم	یولد
ولم	یولد	ولم	بجد	سـ	الصمد	الله	الصمد	الله	الصمد	لم	یلد	ولم	یولد	ولم
یکن	ولم	یولد	ولم	بجد	سـ	الصمد	الله	الصمد	لم	یلد	ولم	یولد	ولم	یکن
له	یکن	ولم	یولد	ولم	بجد	سـ	الصمد	لم	یلد	ولم	یولد	ولم	یکن	له
کفوا	له	یکن	ولم	یولد	ولم	بجد	سـ	یلد	ولم	یولد	ولم	یکن	له	کفوا
احد	کفوا	له	یکن	ولم	یولد	ولم	بجد	ولم	یولد	ولم	یکن	له	کفوا	احد

فایده جهت باد لقوه سوره اذا زلزلت الارض را در طشت آهنی بنویسند و صاحب لقوه در آن نظر
کند نیکو شود دیگر این آیه را به مشک و زعفران بر جام آبگینه بنویسند و بآب پاک بشویند و
صاحب لقوه روی خود را از آن آب بشوید و در آن آب دو سه ساعت نظر کند تا سه روز چنین کند.

لقوه زایل گردد آیه اینست فلکل وجهة هو مولیها فاستبقوا الخیرات اینما تکونوا یأت بکم الله
جمیعاً ان الله علی کل شیء قدیر نوع دیگر این آیه را بر جام آبگینه بنویسد و بشوید و بخورد
شفا یابد آیه اینست ءاتخذ من دونه آلهة ان یردن الرحمن بضر لا تغن عنی شفاعتهم شیئاً
ولا ینقذون فایده هرکه سرگین سنگ پشت بر قضیب مالد در حال مرد بسته بگشاید ولد تاج خروس را هفت
پاره کند و یکان یکان با قند بخورد و در میان آب ایستاده فرو برد و چون خروس بانگ دهد بگشاید
نوع دیگر سه روز هر روز یک خروس ذبح کند و خایه او را در میان قند کهنه گلوله کرده فرو برد
مرد بسته گشاده گردد نوع دیگر روز یکشنبه بوقت برآمدن آفتاب روی بسوی قبله نموده این تعویذ سه عدد بنویسد
و هر روز یکی را شسته بیاشامد و از ترشی پرهیز کند روز اول بتحقیق واشود تعویذ این است

له ایابدوح عـ۴ هوهوهو
هوهوهو
۱۹ ابابدوح ۴۶۲

نوع دیگر هرکه این طلسم را نوشته با خود دارد زبان خلق بروی
بسته گردد و اگر پیش شیر رود ظفر یابد و اگر مرد را بسته باشند
نوشته بر ران چپ بندد گشاده گردد و اگر نوشته در زیر پای
زن نهد هر چه در دل داشته باشد بگوید این است

۱۰ ۳۱ ۱	۱۹
۴۳ ۱۴	۱۷
سوط	۷۶۵
۳۵۵	ع اه

فایده اگر کسی را نارو بیرون آمده باشد باید
در سر نارو نیش کژدم بجلاند و لحظه بدارد بعده
دور کند نارو تمام خود بیرون آید و همان ساعت بیفتد و اگر سر نارو بیرون نیامده باشد
باید که ساعتی آب در آن نارو بدارد چون سر نارو نمودار شود نیش را در آن جلاند فایده
بجهة صرع سنج اگر با شیر یکجا کرده بدهد تا سه روز یا هفت روز ناشتا بخورد

صحّ بابد

صحت باید نوع دیگر سوره عبس بنویسند و بشویند و آن آب بر مصروع باشند صرع برطرف

شود و من بعد باز نیاید و در فلفل کرد و در شکم موش مرده کنند و در جائی بدارند تا موش

خشک شود بعد از آن فلفل را از شکم موش برآورند و نگاهدارند و صاحب صرع را

دو سه فلفل آس نموده ناس دهند نیکو شود فایده اگر کسی را حمل بمیرد و نماند ریسمانی

از تار کت سر تا ناخن پای دختر نارسیده به پیمایند و ته تو کنند و پنج دهتوره

سیاه هفت قطع کنند و در آن ریسمان جدا جدا بندند و زن با خود دارد و بنوعی حق تعالی

حمل برقرار باشد نوع دیگر این مربع را نگاشته در بازوی چپ و یا در کمر زن بندند حمل از

جمیع آفات ایمن بود این است — فایده اگر کسی خواهد که خواب

کسی را به بندد بیارد قدری — خاک از انجا که آن شخص

بول میکند چنانچه خاک از — بول تر بوده باشد وقدری

۴	۹	۷	۱۴
۵		۲	۱۱
۱۰	۳	۱۳	۹
۱۵	۶	۱۲	۱

خاک دیگر از زیر پای آن کس برگیرد و هر دو خاک را یکجا کند و هفت بار این عزیمت را خواند

بر خاک بدمد و در لته سپید بندد و با خود نگاهدارد خواب آن کس بسته گردد عزیمت

این است یا ایها الناس قد جاءکم برهان من ربکم فانزلنا الیک نورا مبینا بنام فلان بن فلان

نوع دیگر اگر خواهی که او بیتوقرار نباشد این عزیمت را بنام چهار کس بدین نحو باید خواند

بیارد ریسمانی که دختر نارسیده رشته باشد و آن ریسمان را بنابد و در آن رشته

هفت گره بزند و بر هر گرهی یکبار این عزیمت را بخواند و بدمد و آن رشته را برد در جنگی

که تنها باشد باویزد تا باد برو برسد خواب آن شخص بسته گردد عزیمت این است

یا معشر الجن و الانس یاتکم رسل منکم یقصون علیکم آیاتی بحسن خوبان فلان بن فلان علی حب فلان
بن فلان فایده سم اسب را بسوزانند و باریک آس کنند و با روغن کنجد بر خوره طلا نمایند دفع شود
فایده اگر کسی سنگ مثانه داشته باشند شیر زن را با انگبین بیامیزند و بخورند سنگ از
گمیز فرود آید نوعی دیگر سوره الم نشرح بنویسد و شسته بخورد سنگ از مثانه پاره پاره شود
و بیرون آید و درد دفع گردد فایده هر کرا جن یا پری یا دیو گرفته باشد این آیه را بنویسند و
بشویند و آب این بر آن کس پاشند آنها ناهار ناشتا خوانده دست بر او زند آیه این است
یا معشر الجن والانس ان استطعتم ان تنفذوا من اقطار السموات والارض فانفذوا
لا تنفذون الا بسلطان فبای آلاء ربکما تکذبان یرسل علیکما شواظ من النار ونحاس فلا تنتصران
نوعی دیگر هر کرا دیو بگیرد هر دو شاه رگ آن کس را محکم بگیرند و بو تنگ آید و فریاد کند و عاجز
شده بگذارد نوعی دیگر هر کرا جن بگیرد باید که سه مرتبه سوره والطارق بر فتیل پرسون خالص
خوانده بدهد و همان فتیل را در گوش جن گرفته بریزد و هر دو گوش او را از انگشت بند کرده
زور کنند و قایم نگاه دارد تا که او نشان خود را بدهد و از بدن او صفا رفت نماید نوعی دیگر هر کرا
جن بگیرد در گوش او بخوانند علی ابن ابیطالب علیه السلام یقولون هت شاه حا فا اخرج بگیرند به دیگر
بر عکس آن باید خواند حا خاهشا شا اخرج ولد این فتیله را جهت دیو و پری نوشته بسوزانند و
دود در بینی دهند دفع شود نوعی دیگر اگر کسی را دیو گرفته باشد این نقش را بر کاغذ نوشته
در بینی دیو گرفته دود دهند دفع شود این است

۱۵۲

فایده این عزیمت را بر کعبه مشت آب بخوانند و بر روی او کرفته بزنند دفع شود این است
علیقا ملیقا املیقا و انت تعلم ما فی قلوبهم ملیقا نوع دیگر هر کرا کوش درد کند این آیه را خوانده
بدمند نیکو شود آیه این است کان لم یسمعها کان فی اذنیه وقرا فبشره بعذاب الیم در هر کرا
از کوش خون رود آب پیاز در کوش چکانند نیکو شود در علاج کری کوش سرکین اسب
تازه و کرم در جامه بپیچد و بفشرد آنچه از جامه آب سرکین بیرون آید در کوش چکاند کری
دفع شود در سیر را بکوبد و آب بگیرد و با زهره کوسفند هر دو برابر بیامیزد و بجوشاند
و در کوش چکاند کری را ببرد نوع دیگر شیر زن در کوش چکانند درد و ریم کوش دفع شود
فایده بجهه دفع بوی بغل مردار سنگ با سرکه کهنه بساید و در بغل مالد بوی بغل دور شود فقط
فایده بجهه روشنائی چشم هر روز این دعا سه مرتبه بخواند و بر انگشتان دست دمد و بر
چشم مالد دعا این است یا قریب یا مجیب یا سمیع الدعاء لطیف لما یشاء و احفظ
علی بصری نوع دیگر اگر کسی را در چشم سنگ ریزه یا خس یا چیزی افتاده باشد و بسیار زحمت
دهد و بیرون نیاید پوست مار بر چشم بندند خود بخود آن چیز از چشم بیرون آید نوع دیگر
شیر زن که نخست پسر بوده باشد با شکر سفید چند شب مدام در چشم بر کنند و پی بندند
و در روز مثل سرمه در چشم کنند پرده دفع شود در نقل آس کرده در چشم بر کنند
پرده دفع شود در تخم کزنه با آب بسایند و در چشم کشند کل دفع شود در خون بهد در
چشم کشند اگر سفیدی کهنه بوده باشد دفع کرده نوع دیگر دفع رفتن آب چشم بیارد
دندان موش که در دیوار باشد و چندی کهنه شده باشد با شیر زن بسایند و

در چشم کشند به شود نوع دیگر اگر در چشم کودک گل افتاده باشد زعفران با لعاب آس کرده در چشم
کشند دفع شود دیگر هر کرا در چشم پرده یا گوشت زیاده شده باشد بیارد صندل سرخ
و نمک سنگ و پوست هلیله و تخم طاس هر یک بوزن برابر و باریک بساید و غلوله سازند
و بوقت خفتن قدری با آب حل کرده چند شب متواتر در چشم کشد پرده و گوشت
زیاده دور شود و چشم روشن گردد نوع دیگر هر کرا چشم تاریک شده باشد و بینائی
کم بود بیارد پیه مار سیاه و بگذارد و در چراغ بیفروزد و دودهٔ او بگیرد و در چشم کشد
بینا شود نوع دیگر بجهت دفع رمد که تمام سفیدهٔ دیده سرخ شده باشد آماس کرده باشد
و چشم مجال کنده و آب روان بود و درد گران باشد بیارد و جا کسور او سرکین خر
بگیرد و بیرون آرد و همه پوست او را دور کند و باریک بساید و مثل سرمه
بچشم کشد متواتر و شب پنبه بر چشم بندد شفا یابد نوع دیگر هر کرا چشم آماس کند
چنانچه باز کردن نتواند بیارد سندهی و برگ نیم برابر و هر دو را با آب آس کنند
و قدری نمک سنگ در آن چاشنی دهد و شیر گرم کرده در میان جامه بنهد و بر چشم بندد
و آماس و خارش و درد دفع شود نوع دیگر دفع غبار و تاریکی چشم که از سردی باشد
بیارد تخم سپنجنه و تخم نیلوفر و بکوبد و پوست دور کند بعده فلفلین هر چهار چیز را
مساوی کرده دو چندان شهد انداز و حل نماید و بمیل ذرهٔ در چشم کشد نافع
آید فایده اگر کسی را سگ دیوانه گزیده باشد بیارد سفال نو آب نرسیده و این
دو نقش را بر آن سفال بنویسد و بشوید و سگ گزیده را بخوراند بکرم الهی

نیکو شود هردو نقش این است

و	و	ه	ه	وو
رح	ار	لـه	ا	دو
ال	ا	ح ح	ی	ع ع ع

وو	الر	و
ور	٦	ح
ووو	٣	٤

فایده در بستن و کشادن زن بنویسد این حروف را

اگر شروع از سر قضیب نماید و بجانب بیخ نویسد و با زن مجامعت کند بسته گردد و چون خواهد

بگشاید شروع از بیخ ذکر نموده بجانب سر بنویسد و مجامعت کند کشاده گردد حروف این است

ا ک و ع ح و و ع نوعی دیگر این حروف را شروع از سر قضیب نموده بجانب بیخ قضیب

نوشته با زن مجامعت کند بسته گردد حروف اینست ک و ر م ن ح و اگر خواهد

که خواهد که بگشاید این حروف را شروع از بیخ قضیب نموده بجانب سر قضیب بنویسد

و مجامعت کند کشاده گردد حروف این است ا ح د ر س ص ط ع ک ل م و ه نوع دیگر

زهره ماکیان سیاه و پیه او یکجا کرده بر ذکر مالد و بهر زنیکه مجامعت کند آن زن بسته گردد فایده

جهت دل سرد اعداد سوره والعصر را بگیرد عدد مثلث و اسم شخص در مثلث ثبت کند بطریقی که

نموده شد و در کوزه نوی که آب از آن نخورده باشند نهد باذن الله تعالی دل او از آن

شخص سرد گردد عدد این سوره ٩٠ ٧٤ عدد اصل حروف ٣٦٦٥ ....

والعصر ان الانسان لفی خسر	انا الذین آمنوا وعملوا	الصالحات وتواصوا بالحق	وتواصوا بالصبر
١٦٥١	١٠٩٣	١٢١٤	٨٣٥

نوع دیگر عدد قلنا یا نار کونی بردا و سلاما بگیرد عدد اسم شخص در وفق ثبت کند و در کنار آب

روان دفن نماید دلش تسکین یابد مربع باید نوشت فایده علاج شیر شدن [illegible] سنگ و زیره سفید برابر

با دوغ ماده گاو بخورد شیر بیفزاید نوعی دیگر زیره سفید و برنج با شیر گاو هفت روز بخورد چندان شیر شود که سه

بچه را تواند داد و اگر سوره یس در کاغذ نویسند و به آب باران بشویند و بزن خوردن دهند اگر چه شیر در پستان

خشک شده باشد به فرمان حق تعالی شیر بسیار شود نوعی دیگر برای افزایش شیر نوشته بخورانند شیر زیاده شود

فایده اگر خواهی که کسی را از دور بیاوری بنویس این عزیمت را بر هفت پاره کاغذ و هفت روز بسوزان

و در هر شبی یک عجائب بنی عزیمت این است طلوا ارمع سیم بلیع ابلح طمسال و ترهیج الحلمیع الار

طاب اهلس رحیس و بیخ فایده اگر زن آبستن انگشت میانه خود را بر قمر یا عطارد یا زهره نهد

بنیک دختر زاید و اگر انگشت بر شمس یا بر مریخ یا بر مشتری نهد بحکم الهی پسر زاید و اگر انگشت در خانه

زحل نهد خلل در حمل افتد یا زن بمیرد والله اعلم

شمس ۲	قمر	زحل ۲	مشتری مکه
	مریخ مکه	زهره ۱	
		عطارد مکه	

فایده هر کرا خون از بینی رود چنانچه به هیچ نابستد بیارد

آرد ماش و به آب خمیر کرده بر سر طلا کند و چون خشک شود

خون باز ایستد نوعی دیگر بیارد گل انار و با شیر زن

که دختر بوده باشد یکجا کرده آمیخته کنند و از جامه بیرون نماید و در بینی ناس گیرد خون باز ایستد

آزموده است فایده علاج تنگ کردن فرج بیارد کنجد سیاه دو درم و گوگرد چهار درم و [illegible] زده

درم بهم یار کرده بخورد فرج چون بکر شود نوعی دیگر بیارد قدری کهربا و مغز تخم هلیله هر دو بوزن برابر

بکجا سائیده در فرج بمالد چون بکر گردد فایده شیر اسب هر زنیکه در فرج گیرد باکره شود

جهت بر آمدن موی بیارد زرده بیضه ماکیان و با سرکه گاو طلا نماید موی برآید مجرب است

با ۲ ل

باید که تا شش ماه متواتر ... جهت دراز شدن موی سر زنان بیاورد پوست درخت نیم و هر روز آنرا

بر سر مالد در یک هفته موی دراز شود مجرب جهت آبله هر که این نقش را نوشته زیر بالین نهند زیاده از نه چهار دانه [نشود]

نوع دیگر جهت دفع آبله این شکل را نوشته در گردن کودک ببندند از جمیع آفتها محفوظ گردد بکرم الله تعالی شکل این است

الحمد لله ١٤	رب العالمین ١٠	الرحمن الرحیم	مالک یوم الدین
ایاک نعبد	وایاک نستعین ١٥	وایاک نستعین ٢٦	اهدنا الصراط ٤ ٦
صراط الذین ٦	انعمت ١٣	علیهم غیر المغضوب ١٤	علیهم ٢
ولا الضالین ٦	آمین ١٥	بسم الله ٧	الرحمن الرحیم ٥

٢
اهدنا الصراط
٦

فایده دفع باد فرنگ بیاورد سکبور یک مثقال و قرنفل در موسم زمستان شصت عدد و مرچ چهل عدد و در موسم تابستان قرنفل چهل عدد و مرچ شصت عدد همه را کوفته و بیخته

بجح	بهجح	بج	لب
ط	و	یب	ز
د	به	ا	ید
ه	ی	ح	ے

چهارده پوریه بندد صبح و شام میخورده باشد و از ترشی و شیرینی و نمک و شیر و ماست و چیزهای بادی و نفاخ پرهیز نماید غذا گوشت بز و مرغ و روغن و برنج و دراج بی نمک و نان گندم بخورد و بعد از هفته غسل نموده خشکه و ماست چکه بخورد و بعد از هفته دیگر پرهیز شکنند لف باید مجرب منقول

نوع دیگر بیاورد ال یک سیر و موم کافور نیم سیر و روغن گاو چهار سیر اول روغن را گرم کنند بعده موم را در او اندازد و چون گداخته شود ... ... و از چوب ... زنند و وزن ... و در آب سرد اندازند ... ... دفع شود مجرب

نوعی دیگر برای کوفت یا جوز زخمی ناسور وغیره باشد مرداسنگ بگیرید [illegible] و روغن [illegible] هر دو را بهم

و یکبار بجوشانند بکار برند مجرب است نوعی دیگر پوست بار زنجبیل و نیکره و قند سیاه بگیرند از هر یک چند درم کوفته

بیخته سفوف سازند هر روز صبح ناشتا چند عدد تخم مرغ با مویز کشند بر اینکه آید تخم حیض حامله باید نوعی دیگر از زر

انکشت تره و ابرو و موی بر وزش بی رنگینه باشد بیاید چندکره بیارد و ابر زکوفته آب بکرده و برانکار جو ب زنیکه باشد

بالد موی بر نزیزد و رنگینه باشد بار برآید مجرب است فایده جهت دفع زحیر این شنشه نوعی باشد

۲		۴
۷	۵	۳
۶	۱	۸

فایده ده مرتبه این دعا را خوانده بر ریسمانی بدمند بندد بیاید بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم صل علی محمد و آل محمد بعدد کل داء و دواء و من کل الامراض برحمتک

یا ارحم الراحمین نوعی دیگر برای محبت بنام هر کرا این اسم یا غفور بر پاره کاغذ نوشته در روغن انداخته فروند

کمال محبت باید و هر گاه پنهان کنن امور خطر بکند و بینند بر بشت سیاه بخوانند بدید و ورد جامه از اول

بکار بیاید پوشیده ماند و هر گز ظاهر نکند و هر که ورد باید جمیع غمها ازو و دعا مبدل گردد

هزار بار بخوانند و هر روز سوره جمعه بخوانند توانگر می‌شوند خاصیت هفتم اگر کسی خواهد که آفتاب و ماه را ببیند

می‌شود گفته‌اند این دعا را هزار بار بخوانند در شب جمعه نیت آفتاب و ماهتاب می‌کنند خاصیت هشتم

اگر کسی خواهد که [illegible] را ببیند باید که تا [illegible] بنویسد بگیرد خاصیت نهم اگر عورت عقیمه باشد باید که این دعا بر سه

[illegible] بنویسد و بر تن [illegible] بخورد [illegible] خاصیت [illegible] فرزند نرینه [illegible]

خاصیت دهم اگر کسی را گفتار گرفته باشد این دعا را دو روز نه بار با انگشتر بخوانند و در آب بدهند که بخورد

اگر گرفتگی گفتار گرفته سبب خاصیت یازدهم اگر طفل را گفتار گرفته باشد این دعا را [illegible] بخوانند

و بر او بدمند [illegible] صحت یابد خاصیت دوازدهم اگر زنی حامله باشد و چهار ماه گذشته باشد این دعا خوانده

بر او بدمند [illegible] خاصیت سیزدهم اگر زنی [illegible] سیاه

میرفته باشد باید که این دعا را بر [illegible] بنویسد و در گلو [illegible] سلامت باشد

خاصیت چهاردهم اگر کسی [illegible] باید این دعا را بخواند او تا بد از غیب بیاید خاصیت پانزدهم اگر کسی را

درد سر باشد این دعا را نوشته و بشوید باید [illegible] صحت یابد خاصیت شانزدهم اگر کسی خواهد که

دشمنی را هلاک کند [illegible] بگوید و بنشیند و این دعا را بخواند و نام آن کس را بگیرد در حال دشمن

هلاک گردد خاصیت هفدهم اگر کسی خواهد پادشاه [illegible] را [illegible] این دعا را در پیاله آب ریخته

بخواند بر پیاله [illegible] خاصیت هجدهم اگر کسی این دعا [illegible] باید بخواند [illegible] رسول صلعم

مشرف گردد [illegible] خاصیت نوزدهم اگر کسی [illegible]

[illegible] این ۱۲ نام را [illegible] بخوانند [illegible] خاصیت بیستم اگر [illegible]

باید این دعا را در وقت [illegible] بخوانند و بنویسند و بخورند [illegible]

خاصیت بیست یکم اگر کسی قرض دار [illegible] این دعا را هر روز [illegible] باید در حال از قرض

خلاص گردد خاصیت بیست و دوم اگر کسی در زندان محبوس باشد این دعا را هر روز بخواند خلاص یابد

خاصیت بیست سوم اگر کسی را زخمی رسیده باشد این دعا را نوشته و بشوید [illegible] صحت یابد

بیست چهارم اگر [illegible] این دعا را با [illegible]

این دعا را همراه [illegible] بنویسند دعا این است بسم الله الرحمن الرحیم [illegible]

[illegible] الله [illegible] یا حی یا قیوم [illegible]

[illegible] محمد رسول الله

فسیکفیکهم الله و هو السمیع العلیم [illegible] و هو السمیع البصیر و صلی الله علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین

[illegible] به موجب این نوشته [illegible]

و همین ضرور باشد [illegible] بسیار است اما باید بقدر [illegible] و اگر کسی در اول صباح

پنجشنبه [illegible] بگوید هزار بار [illegible] بگوید [illegible] جمع [illegible] و اگر

هزار بار [illegible] با وضو [illegible] تمام خلق عالم عزیز و محترم [illegible] دشمن [illegible]

و هر حاجت که رفع [illegible] باید [illegible] و اگر کسی در وقت گرفتار باشد [illegible] باشد

هر روز [illegible] بگوید [illegible] و اگر هزار [illegible] با وضو [illegible] حضرت [illegible]

سال که هر روز چهارصد بار بخوانند در دولت و اقبال [illegible] و اگر کسی [illegible]

بخوانند [illegible] بسیار [illegible] بنویسند

و در زیر [illegible] و اگر کسی هر روز [illegible] بار بخوانند [illegible]

[illegible] در خواب ببیند و اگر [illegible]

بنویسد و [illegible] و اگر کسی خواهد [illegible]

دولت [illegible] بخوانند [illegible] و اگر

[illegible] بخوانند [illegible] باید

[illegible] و اگر کسی خواهد [illegible]

[illegible] بخوانند [illegible]

[illegible] بگوید [illegible]

بنویسد و در زیر سر نهد در خواب ببیند [illegible] و اگر کسی خواهد دشمن [illegible]

از [illegible] باید [illegible] و اگر [illegible]

۱۴۷

بکنند و هفتاد بار بگوید [illegible] هزار بار بگوید بدو رسد [illegible] و اگر کسی خواهد

و دیگر هر که روز اول [illegible] بخواند [illegible] بخواند [illegible] باشد و اگر کسی خواهد

دفینه [illegible] هفتاد بار [illegible] بخواند [illegible] دفینه [illegible] و اگر [illegible] که

و روز [illegible] هر روز [illegible] بار بگوید [illegible] اند

و در [illegible] و اگر [illegible] هر که [illegible] اگر کسی هر روز هفتاد بار [illegible] وقت نماز

[illegible] بخواند [illegible] و اگر [illegible] آید [illegible]

و اگر کسی [illegible] بامداد [illegible] نماز [illegible] دو [illegible] بار بخواند [illegible]

باشد و اگر [illegible] بخواند [illegible] وقت [illegible] اگر کسی

[illegible] بار بخواند [illegible] و اگر [illegible] هر که [illegible] اگر کسی خواهد

[illegible] بار بخواند [illegible]



این حرفها را نویسند و در پهلوی خفته بندند اگر صد چوب زنند هرگز خفته بیدار نشود بفرمان خدای تعالی

حروف این است [illegible] مره فنوس فایده جهت افزونی شیر گاو و میش [illegible] و بنویسند

این آیه بر کاغذ نویسند و بشویند و خورند و دهند بفرمان خدای تعالی عزوجل شیر بسیار شود آیه

این است ثم قست قلوبکم من بعد ذالک فهی کالحجارت او اشد قسوت و ان من

الحجارت لما یتفجر منه الانهار و ان منها لما یشقق فیخرج منه الماء و ان منها لما یهبط من خشیة الله

و ما الله بغافل عما تعملون تمت تمام

